

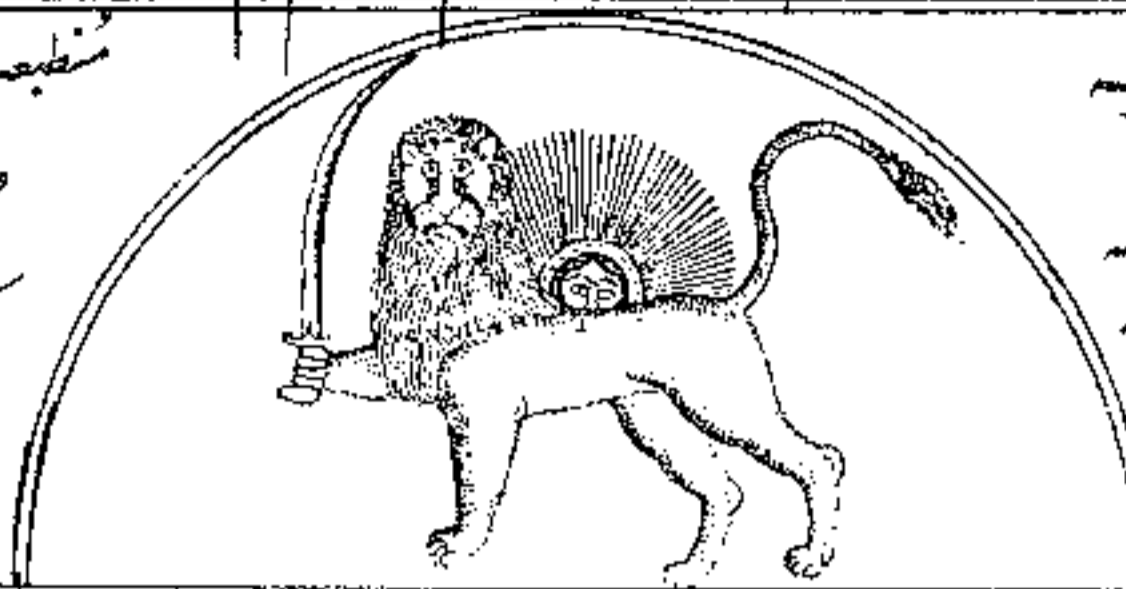
روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پوچم نوبت سیم ماه محرم سن ۱۲۷۰

نمبر صد و چهارم

قیمت روزنامه

یک سکه و شش پیر

در قاف و چهار هزار



منطبقه دار اختلاف طهران

قیمت اعلانات

یک سطر الاجه رساله

بیشتر بر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

چون مجدداً این اوقات در دار اختلاف طهران خبری
انار ناخوشی و بابر و زو ظهور یافت بود اعلیحضرت
پادشاهی و بعضی از چاکران در بارهایون که لازم
بود ملزم رکاب هایون باشند از مکه گذشته
بقصر قاجار تشریف برده و رانجا که از حیث آب و هوا
از طهران بهتر است توقف دارند

عالیجاه عین الخواصین العظام سردار کوندل خان
حاکم قندار مدتی بود که عالیجاه سلطانعلی خان پسر
خود را برای اظهار ارادت و بندگی و اطاعت و نسیان
خود نسبت باین دولت جاوید نهاد از طرف کرمان
و یزد و بربار شوگندارهایون روانه داشته بود و
امیرالامراء العظام محمد حسن پسر دار حکمران یزد و کرمان
در استقبال فرستادن و معاندری و اعزاز و احترام
اولاً لازم است تمام بعلل آورده بود در روز یکشنبه
نوزدهم این ماه عالیجاه سردار سلطانعلی خان
دار اختلاف طهران شده از جانب اولیای دولت

علیه نیز لازم است تمام در اعزاز و اکرام از عالیجاه
شاهزاده در روز و در بعلل آمد و مقرب انجان
محمد خان میرنجه را با سر تیپان و همسرشکان
و قو للاقاسی باشی و محمد حسن خان نایب قاضی
باشی را با استقبال عالیجاه شاهزاده فرستاد
که در نهایت احترام و اعزاز عالیجاه شاهزاده را
وارد سازند و اشخاص مزبور هم در رعایت
شرایط استقبال اولاً لازم است تمام نموده عالیجاه
شاهزاده را معززاً و محترماً وارد شهر کردند و در
سه شب نوبت و یکم جناب جلالت آفتاب صدر
انار در دربار خواسته بقصر قاجار خدمت جناب
مغزی البیه رسیده کمال التفات و مهربانی در حق
آنها مبذول داشتند

چون عالیجاه عسکر خان سرب در خدمت کانداز
دیوان اعلی سواره کمال اهتمام نموده طریق خدمت
باقدام صداقت پیورده بود حضوراً در اسفار حرات
که مصدرفدما شایان شده محاسن اینهاست

در نظر اولیای دولت علیه خلیفه مستحسن و مقبول افتاد
بودند این روزها محض رحمت در باره عالیجاه شاره
یک قطعه شان از مرتبه اول تبرسی با یک رشته حمال
سرخ که مخصوص این مرتبه است با افتخار عالیجاه شاره
مرحمت و ارسال فرمودند

چون عالیجاه محمد علیخان که سابقاً سرکنک فوج خندان
بود از عهد نه دست فخر و نظم امور فوج مرزور بطور
شایسته نتوانست برآید لهذا این اوقات حسب الاشارة
نظر بطور قابلیت و شایستگی و کار دانی عالیجاه
نایب اجودان باشی منصب سرکنک فوج خندان
بعهد عالیجاه شاره محول و مفوض فرموده فرمان
سارک شرف صدر ریافت و خلعت آفتاب
طلعت سیم با افتخار عالیجاه شاره محول گردید

سایر ولایات

اور با بجان از فراریک در روزنامه خوبی نوشته
بودند مقرب الخاقان اسکندر خان سردار
لهوی در نظم امور آسند و اعتم از امور ولایت
و افواج کمال اهتمام دارد و این اوقات برای
تأشای مشق افواج قاهره که در برون در وانه
شهر مستند سوار شده رفته بوقت تمام مشق
افواج رسیده کی نموده است چون افواج بزرگ
بسیار خوب مشق کرده بودند از جانب اولیای
دولت علیه اظهار التفات و مهربانی زیاد
نسبت بصاحب منصبان و احاد و افراد افواج
نموده بوده است

دارالمرز

ازین ولایات درین مهنت اخباری نبود که
روزنامه نوشته شود

عراق

چنین از ولایت عراق نیز درین مهنت اخباری
نرسیده است

فارس

از فراریک در روزنامه بندرات فارس نوشته
بودند صفت باط و مباحثین در حکام جزو صفیات
که سیرات و بندرات و غیره که خبر درود و نواب
مستطاب شایزاده دالاتبار مؤید الدوله طاهری
حکمران مملکت فارس را شنیده اند هر یک
برای شرفیابی خدمت نواب معزی الیه عزیمت
شیراز نموده متعاقب یکدیگر می آیند

از فراریک در ضمن روزنامه فارس نوشته
بودند نواب مستطاب مؤید الدوله که در روز
جمعه دوازدهم شهر ذیحجه اسحرام بعد از ظهر در
باغ نوشیراز می شدند جمیع اعیان و اشراف
و اهلالی فارس و صاحب منصبان افواج
در استقبال نواب معزی الیه کمال اهتمام نموده
و نواب معزی الیه هم لازم نوازش از آنها
و از صاحب منصبان و افواج مرزور بعمل آوردند
و در روز چهاردهم شیراز را احضار کردند
اظهار کمال التفات در باره آنها نموده بر جسم

اولیای دولت علمیه امیدوار داشته
 و در روز پانزدهم امانی شیراز را احضار کرده
 بسبب خرابی و سنگینی که از آفات و زلزله آنجا
 بر آنها وارد آمده بوده است آنها را بالتفصیل
 اولیای دولت علمیه امیدوار ساخته
 و پنج ساله مالیات دیوانی شهر شیراز را
 تخفیف داده اهل شهر را مدت پنج سال
 از دادن مالیات معاف داشته اند که بجز
 مشول غمبر و آباری خاکهای خود باشند
 و روز نیکشنبه پنجشنبه را قرار داده اند که
 مردم هر یک عرض مطلبی داشته باشند
 آید عرض کنند و در جمعه هم ذکر باب آید
 مطالب خود را عرض کنند از قرار یک نوشته
 بودند در غوررسی حال رعایا و ضحاک و امانی و
 بکمال استقامت دارند و در آبادی شهر و رفع حرا
 و سنگینی آنجا لازمه مراقبت بعمل می آورند و برای
 الاغ سبزه خاک کشتی کوچه ها داده اند که خاک
 برداشته بیرون ببرند یا بکل عموم امانی فارس
 خصوصاً اهل شهر شیراز را حسن مراقبت و خوش
 رفتاری و رسیدگی نواب معزی الیه مرقه
 و آسوده خاطر بامیدواری تمام بشکرانند
 دوام این دولت جاویدت علمیه
 دارند

مویه الدوله آید و عرض کرده بود که یک بار نسیان
 من در منزل کرد مروان برده اند نواب معزی
 دولت تومان قیمت نسیان را فی الفور بان شخص
 تا جر داده بعد بجای لطفعلی خان ضابط
 بلوک سرحد و عالیجاه محمد ششم خان که با اعلیای
 مستحفظ راههاست قدغن کرده بودند که نسیان
 تومان را بدینستند تا بعد ازین در نظم طرق و
 شوارع و حفظ اموال تجار و عابریین دستور
 مراقب و موالیب بوده بسیار چه مخالفند
 تا مردم خالی از تشویش و آسب دزدان
 سجاظر جمعی و اطمینان از آن متنازل عبور و مرور
 نمایند

مذمه تبعیر اجناس با کولات و غیره دارا اختلاف
 هفته از اینتر است

- کندم شهری یک هزار دو تومان ۱۰۰۰
- کندم غریبه یک هزار هجده هزار ۱۸۰۰۰
- کندم ورامین یک هزار پانزده هزار ۱۵۰۰۰
- یک هزار یازده هزار ۱۱۰۰۰
- کندم یک هزار چهار هزار ۴۰۰۰
- کندم یک هزار سه هزار و صد ۳۰۰۰
- کندم یک هزار دو تومان و دو هزار ۲۰۰۰
- یک هزار بیست و چهار هزار ۲۴۰۰۰
- کندم یک هزار بیست و چهار هزار ۲۴۰۰۰
- کندم یک هزار سه تومان و یک هزار ۳۰۰۰

۱۰۰	انجیر یک من سیصد و بنار	۱۰۰	روغن یک من ری یک تومان
۱۰۱	بادام یک من ری دو هزار و هشتصد	۱۰۱	برنج عنبر یک من باره شاهی
۱۰۲	مغز بادام یک من سه هزار	۱۰۲	برنج کرده یک من ده شاهی
۱۰۳	آب لیمو یک من سه هزار	۱۰۳	گوشت یک من یک هزار دینار
۱۰۴	آب نایج یک من دو هزار و پاره شاهی	۱۰۴	نان یک من هفت پول
۱۰۵	دارچینی یک من هشت هزار	۱۰۵	حلوائی قنادی یک من چهار هزار
۱۰۶	بن یک من دو تومان	۱۰۶	شکر سفید یک من سه هزار
۱۰۷	میخک یک من هشت هزار	۱۰۷	قد بزدی یک من چهار هزار و پانصد
۱۰۸	فلفل یک من سه هزار	۱۰۸	قد ارسی یک من شش هزار
۱۰۹	زرد چوبه یک من دو ریال	۱۰۹	فیضی یک من دو هزار و هشتصد
۱۱۰	زیره طعام یک من سه هزار	۱۱۰	سجود بوداده یک من دو عباسی
۱۱۱	مرغابای بانک یک من سه هزار و پانصد	۱۱۱	خرمای خشک یک من هفتصد دینار
۱۱۲	مرغابای زرشک یک من سه هزار	۱۱۲	خرمای سیاه یک من هزار دینار
۱۱۳	نقاع یک من دو عباسی	۱۱۳	خرمای خارک یک من یک ریال
۱۱۴	نبات سفید یک من یک تومان	۱۱۴	پسته شور یک من دو هزار
۱۱۵	نبات نند یک من سه هزار و پانصد	۱۱۵	مغز پسته یک من چهار هزار
۱۱۶	شیره یک من پنجاهی	۱۱۶	مغز گردو یک من سه هزار و پانصد
۱۱۷	روغن چغراغ یک من سی شاهی	۱۱۷	شمع یک من دو هزار
۱۱۸	گرچک یک من یک هزار و صد دینار	۱۱۸	پیه کداحته یک من نه عباسی
۱۱۹	سجود قزوینی یک من چهار تومان	۱۱۹	هندوانه یک من یک شاهی نیم
۱۲۰	سجود رسی یک من هزار دو تومان نیم	۱۲۰	خریزه یک من صد دینار
۱۲۱	هیزم کز یک من چهار و پانصد	۱۲۱	خریزه قتی یک من شاهی
۱۲۲	هیزم سقر یک من هزار نه	۱۲۲	سیب یک من پنجاهی
۱۲۳	هیزم متفرقه یک من هفت هزار و پانصد	۱۲۳	انار یک من پنجاهی
۱۲۴	پیان یک من هفت هزار و پانصد	۱۲۴	الکور یک من سه شاهی

اخبار دول خارج
فرانس والده پادشاه اسپانیول درین وقت
 پاریس پای تخت فرانسه آمده بود و چند وقت در آنجا
 توقف داشت و در میان خلق شهرت داشت که بیای
 و خبر ملکه مزبور را که از شوهر دیگر غیر از پادشاه اسپانیول
 برای پرنس ناپلیان پسر روم بوند بارت دارند و
 روم بوند پلوت بنا داشته است که بملکت انگلیس
 بدین خیال لوی قلب پادشاه سابق فرانس که فوت
 شده است

در یکی از روزنامه های انگلیس نوشته اند که از منفین فرانس
 درین اوقات میخواسته اند امپراطور فرانس را بکشند
 امپراطور بگاس که نشسته و از کوچهای پاریس عبور کرده است
 شخصی در کوچ طبا سنج از جیب خود در آورده بود کالکی
 که در کوچ بود دست او را گرفته بود و جانساعت ضبط نمود
 او را گرفته حبس کرده بودند بعد از چند روز باز امپراطور
 در میتهای نزدیک پاریس کشت میکرد تا گاه صدی تفنگ
 از میان درختها بلند شده و کلوا بمت کالک آمد سواران
 که همراه کالک بودند با نظرف که صدی تفنگ بلند شد
 شبلیک کرده پیش رفتند بخش مد نفیر بازار در آنجا
 دیدند که از ضرب کلوا سواران مزبور افتاده بودند این
 فقر و راجون در روزنامه های فرانسه قدغن شده بود که
 نویسنده نوشته بودند اما در روزنامه انگلیس چاپ شده بود

ایتالیا

از ملکت روم نوشته اند که در میان خلق آنجا اعتقاد
 بود بچند کم بابی غله و کم آمدن حاصل آن ملکت و در بعضی

جاها که خواسته بودند فله از جانی بجائی حمل و نقل نمایند
 خلق جمع شده و نگذاشته بودند
 در آن سمت ایتالیا که در تصرف دولت استریا است
 آن ملکت چند سال پیش ازین باغی شده بودند که بلکه از
 تصرف دولت استریا بیرون آمده دولت جدا گانه
 بشوند در باب املاک و اموال آنها که بعد ازین جنگ
 قرار کرده بودند حکم صادر شده بود که نامدستی هر کدام
 که بملکت خود مراجعت نمایند امپراطور استریا تقصیر آنها
 عفو فرموده و اموال داکشان را بتصرف خودشان

خواهند داد چونکه دیدند کسانی که در آن جنگ فرار کرده
 بودند بسیار کم مراجعت کرده اند درین اوقات املاک
 و اموال آنها را ضبط دیوان کرده اند و امنای دولت
 استریا از اهل این ولایت خاطر جمیع نیستند و میدانند
 که منفین آنجا پیوسته مترصد اند که دوباره جنگ و استیلا
 در آن ولایت برپا نمایند

چین

از فرار خبر آخر که ازین ولایت آمده است کار باغیان
 آنجا پیش بوده شهر تنگین را تصرف کرده بودند در روزهای
 سابق نوشته بودند که حاکمان دول خارج که در آنجا
 بودند بنا داشته اند که گشتی قشون سحری با داد دولت
 چین بفرستند و لکن گویا این خبر اصل نداشت باغیان
 به دل خارج کاری ندارند و آدم فرستاده اند بزود
 ایچی انگلیس و وکلای سایر دول خارج که در آن سرحد
 می نشینند و گفته اند که اهل دول خارج خاطر جمیع باشند
 که از ماضی و استیلا اهل خارج نخواهد رسید ایچی انگلیس

بشهر ننگین رفته و مراجعت نموده است بزرگ یاغیان را
 دیده بود و قرار گذاشته بودند که از دولت انگلیس
 جنگ داخله بیطرف نشود یاغیان هر دو طرف رودخانه
 که از آنجا میگذر و مقصود شده و سخت کرده بودند
 که از عبور هر کس که مخالف آنها باشد مانع بشوند و
 آمدن قشون از سمت جنوب آن ولایت بودند که بپکن
 که پای تخت چین است حرکت نمایند تخمیناً چهار صد سال
 میشود که پادشاهان چین از طایفه منگول تاتارستان
 که در آن ایام از تاتارستان رفته و باهل چین غایب
 آمده اند و از آنوقت سلطنت چین در دست آنهاست
 و قشون رشید که دارند از اهل تاتارستان است و
 تاتارستان در مملکت چین صاحب ولایت اندک
 یاغیان این است که اهل تاتارستان را از تاج و تخت
 چین انداخته بی دخل نمایند و از اهل چین مانند ایام قدیم
 پادشاه برقرار بشود منظور دیگر این است که دین اهل
 چین را برسم بزنند و این یاغیان قسماً از طلب
 هستند و هر جا که میروند بتجارتهای اهل چین را برسم
 و بهت های آنها را می شکنند در میان خودشان نوزاد
 و انجیل مانند عیسویها دارند در بر کشتن اهل انگلیس از شهر
 ننگین از یکی از سنگهای یاغیان که در کنار رودخانه
 بود توپ کشتی اهل چین انداخته بودند و کشتی اهل چین نیز در
 جواب توپ سنگی نوزاد انداخته بودند از آن است که
 یاغیان دیگر توپ نینداخته بودند و یک صاحب منصب
 بزرگ آنها کشتی اهل چین آمده و در خواهی کرده بود و گفته بود
 که چون دولت چین کشتیها از فرنگیها خریده و از فرنگیها

قشون گرفته اند که بیایند با قشون ما جنگ نمایند قشون
 ما خیال کردند که این کشتی از آن کشتیهاست و باین سبب
 توپ انداخته اند اگر چه ما بجای کار یاغیان پیرفت در
 و لکن باز آنها که پادشاه چین خدمت میکردند و
 نبودند و کشتیهای زیاد از فرنگیها میخریدند و آنچه میتوانستند
 از کشتیهای انگلیس کشتیهای آن طوائف دیگر فرنگیها
 توپ می گرفتند و رو به بالای رودخانه روانه میکردند که
 با یاغیان جنگ نمایند
 و یک از چین نوشته اند که در زمان که در روی دریا مانا
 تجارت راحت و غارت میکردند درین اوقات بسیار
 زیاد شده بودند و چند فروند کشتی تجارتنی را گرفته
 و نگاه داشته و پیغام بتجار فرستاده بودند که ده هزار
 دلار که تخمیناً چهار تومان پول ایران باشد بفرستند
 تا کشتیهای آنها را رها نمایند این گذارش را صاحب
 کشتیهای جنگی انگلیس که در آن سمت بودند شنیده و
 بان سمت رفته بود که در زمان را پیدا نماید از اهل آن
 تحقیق کرده بود و گفته بودند که در زمان درین نزدیکی بود
 و کشتیهای تجار را نگاه داشته بودند و مستظرف آمدن
 سخاوه بودند که کمان داشتند که بتجار از راه خشکی روانه
 نمایند صاحب منصب فرود برادر در زمان کشتی رانده بود
 چون هوا بر بود و صبح و بخار روی دریا را تاریک کرده بود
 در زمان کشتی جنگی را ندیده بودند تا وقتی که نزدیک
 رسیدند بود و وقتی که دیده بودند بطرف رودخانه که
 بودند اما کشتی جنگی را که گریز آنها را بریده بود و در زمان
 دیدند که راهشان بسته است و چاره ندارند بای

توب انداختن گذاشته بودند و کلوله و ساچمه توب
وقتی ار کلوله توب که دو کلوله که بخیر در میان شان است
از توب می اندازند کشتی خشکی انداخته بودند و بعد سبب کشتی
آمده بودند که دست بست حمله بیاورند و توبیکه نزدیک
شده بودند کشتی خشکی توب بزرگ خالی کرده و کلوله
میان کشتی و زردان آمده انبار بار و طش آتش گرفته و
به اول بند شده بود و یک کشتی دیگر و زردان نیز از بند
کلوله غرق شده بود و زردان دیده بودند که آن وقت را
ندارند که با کشتی خشکی مقاومت نمایند سبب خشکی که ریخته
بودند و بکنار که نزدیک شدند خود را بمیان آب انداختند
بودند اما وقتی که خشکی رسیده بودند اهل داناتان
زردان را که میخواهند از آب بیرون بیایند با سنگ
و چوب میزدند و می کشتند و توبیکه کشتی و زردان نزدیک
بخشکی شده بود از کشتی خشکی انگلیس زورق بعضی آنها
فرستاده بودند و حمله یکی از کشتیهای زردان او را
بودند یک صاحب منصب و دو نفر از کشتیبانان انگلیس
در روی کشتی و زردان بزخم نیزه و شمشیر کشته شده
بودند و در روی کشتی بسیار جنگ سخت شده بود اهل
چین که در خشکی سکنی داشتند وقتی که دیده بودند که بعضی
از انگلیسها از کشتی میان آب افتاده اند و از خشکی فرستاده
و آنها را از آب بیرون آورده بودند و میت و چچ من نقره
که در میان آتش که انداخته شده بود از یکی از کشتیهای
و زردان بیرون آورده بودند و سه کب پول هم
میان کشتی حبسته بودند یکی از کشتیهای زردان که بسیار
خراب شده بود بعد از جنگ در ها پنجاه غرق شد و یکی

دیگر هم چونکه دریا طوفان شده و امواج بلند بود در
مراحت غرق شد صاحب منصب مزبور چهار کشتی از
و زردان با پنجاه نفر محبوس از آنها بشهر فوج آوردند و
و زردان را صاحب منصبان چین که در آنجا بودند
بود که سیاست نمایند
از سایر دول خارج اخباری که قابل ترجمه باشد
مگر آنچه در احوالات متفرقه نوشته میشود
احوال است متفرقه
کشتی از مملکت آستر ایادین اوقات بولایت انگلیس
وارد شده بود سیصد نفر مشال طلا که تخمینا چهار
و شصت و شصت من چیزی بالا بوزن شصت عباسی میشود
آورده بود کار معدنچیان در اوقالات بسیار خوب
پیش میرفتند حساب کرده اند که بروی سم تخمینا
هر یک از مردمانی که آنجا بوده اند روزی شش مشال
طلا بیرون می آورده اند و کارزار عین سم بسیار
بوده است زیرا که سبب کثرت جمعیت خلق هر چه
بعلل آمده بود خوب نفروش میرفت از مال فاش و غیره
منفعت خوب برای تجارت حاصل میشد و در بطور آن که
دار الحکومه آنجاست مال التجاره بسیار کم شده بود
و اجناس کران بود و منتظر آمدن کشتیهای تجاری
از فرنگستان بودند که مال التجاره بجا بیاید
در شهر درونی مملکت انگلیس در میان کارخانه البرسم
بود و خرابی زیاد کرده بود چونکه کارخانه مزبور بسیار بزرگ
در قلع بود که شش مرتبه بروی سم ساخته بودند خاموش
کردن آتش بسیار مشکل بود و عمل که در آنجا کار میکردند که خبر

اورند که کارخانه آتش گرفت و خیلی طول کشید تا آب
 با نجابیا و زرد و توله آب پاشی که بجهت خاموش کردن آتش
 برآه میزدند آتش در مرتبه فوقانی کارخانه افتاده بود چند
 نفر با نجابیا فرستند که پارچه های ابریشم و غیره را بیرون بیاورند
 و آب بطوری پاشند که آتش را خاموش نمایند یکبار با
 عمارت پائین آمد و این اشخاص در زیر خرابی ماندند درین وقت
 راه زردبان میان کارخانه بجهت شدت سحله و حرارت آتش
 بریده زردبانهای چوبی بهم بستند که بالا بروند و مردمانی را
 که در آنجا هستند خلاص نمایند و مردم از پائین آنها را که در
 میان آتش بودند میدیدند یک نفر خودش را از پنجره کارخانه
 بیرون انداخته بود اول یک لنگه غیبش انداخته بود که خود را
 بروی او بیندازد که صدمه نخورد اما وقتی که خود را بروی
 پنداخت مانند توپ کاشی از روی لنگه پندیده شده
 و بروی سنگها خورد او را برداشته و به بیمارخانه برد
 خیلی مسموم سوخته شده بود اما وقتی که با نجابیا بردند زنده بود
 یکی دیگر از آن آتش خلاص شده بود بطوریکه دستمال بدین
 خود بسته و از میان آتش بلب پنجره آمده و از زردبان
 چوبی پائین آمده بود و سه ساعت این آتش گرفتن طول
 کشیده بود تا بعد پاشیدن آب از توله خاموش کرد
 بودند و بعد چهار هزار تومان بصاحب کارخانه خورد
 در ولایت انگلیس گفتگویی شده است که پول کل مالک
 از یک تاده یک مرتبه قرار بدهند مثلاً ده شاهی بگذارند
 بگویند مان باشد و مرتبه ده ده معین باشد و بجهت این
 قرار چندین نفر را بسورخانه آورده اند که تحقیق نمایند از جمله
 کسی بوده است که مدتی در ولایت چین مانده بود و مذکور

۹۰۰

داشته بود که در ولایت چین حساب پول را بهین
 هزار نگاه میدارند و پول رواج آنها از بهین فرار است
 بسیار با وقت حساب نگاه میدارند بجهت مملکت چین
 بجهت آن دولت بیشتر ارزشمند کرد و خلق است و در کل حساب
 حساب پولشان از بهین فرار است
 در وسط مملکت امریکای جنوبی بعضی جاها هست که اهل
 که با ولایت رفته اند هنوز آنجا را ندیده اند و هر کس که
 با نجابیا رود اهل انولایت او را می کشند و مانع تردد او
 فرنگها که سایر جاها می آید را آبا کرده اند می شود
 در قانون و قاعده و سبب انولایت مانند قانون قدیم
 یکی دنیا است که پیش از آنکه فرنگها انولایت را پیدا
 داشتند درین روزها سه نفر از اهل یکی دنیای
 شمالی با نجابیا رفته بودند و نفر آنها را کشته اند و یک نفر
 خلاص شده و دو طفل که یکی دختر و یکی پسر بود از انولایت
 بیرون آورده بود بجهت ناشای مردم و اهل آنجا با او
 همان اهل قدیم یکی دنیا میباشند که وقتی که اهل اسپانیا
 تازه به یکی دنیا رفته و با اهل آنجا که نزدیک بدریا
 بودند شکست دادند و آنها که سگت از اهل اسپانیا
 حوزده بودند بوسط انولایت رفته و از آنوقت با نجابیا
 در آنجا مانده اند
 از هزار روزنامه سنت بطور بزرگ پای تخت مملکت
 ناخوشی و با که حال یکسال تمام است که در آنجا است
 درین روزها باز بوده است سهل است موافق خبر
 قدری شدت مسموم کرده است

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم پنجمه غره با جمعه المظفر مطابق سال اول و سیصد و هشتاد و یک

نزد صد و چهار و چهار

قیمت روزنامه

یک نسخه و سه پیریکه

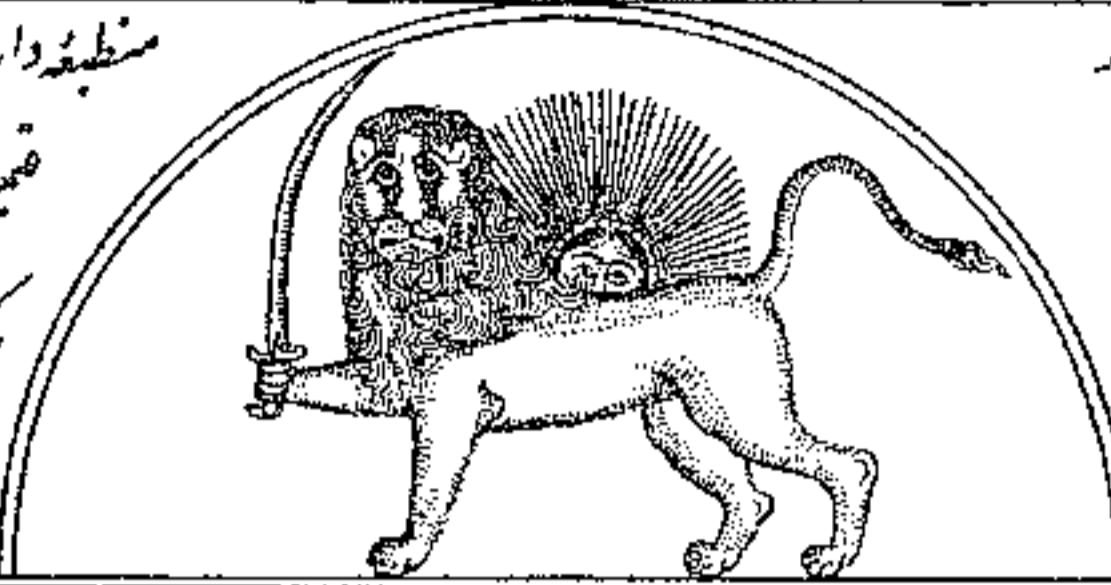
و کتاب چهار هزار

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر چهار سطر یک هزار

بیشتر با هر هزار



اخبار و احادیث مالک و غیره

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد هنوز در قصر قاجار تشریف دارند و چون چند روز که در ناخوشی شهرت یافته است بنیاد دارند که اگر انشاء الله بامر رفع نشود روز جمعه دوم ایماه ربیع المبارک سلطانی و مقرب سلطنتی تشریف فرما شود

ناخوشی و با که درین روز در دارالخلافه طهران مجید دایره نمود چندی شدت کرد و لکن این روز که هوا برودتی بهم رسانده است از یوم سه محرم تحقیق کلی حاصل شده که بروزی شش نفر هفت نفر رسیده است و امید است که انشاء الله درین روز با بکلی رفع شود

درین روز که هوای دارالخلافه طهران بخلاف سایر ایام که سرد شد و در کوه شمیران برف زیاد آمد و هوای بطور برودت بهم رسانده است که اغلب مردم بدون کلاه بالا پوشش نمیتوانند راه بروند و اکثر روزها ابر است و احیاناً بارندگی نیز میشود در اوایل تابستان امسال هوای دارالخلافه طهران سرد و خوش بود و لکن در آخر تابستان

و اوایل باینجهوارا گرم کرده بود تا در این روز که هوا بطور سرد شده است که کسی بخاطر نداشتن درین فصل هوای ناخوشه باین برودت شده باشد

امور دارالخلافه طهران بهمه جهت کمال نظم دارد و بسیار کم و بیجای می شود و اگر گاهی کسی مصدر سرقت یا شرارت بشود بجزای خود میرسد از جمله دو نفر در درین روز در محلات طهران گرفته بودند بنزد نواب مستطاب شاهزاده و الا تباران حکمران دارالخلافه طهران و توابع آوردند بعد از آنکه اموال مردم را از آنها استرداد و بصاحبانشان رد نمودند و تقصیرشان حکم به سبب آنان نمود

و هم چنین شخصی در بازار قهقهه و آغاز شرارت کرده وقتیکه معلوم کردند شرب کرده است بود و از روی سگر بشارت اقدام نموده بود او را گرفته خدمت نواب شاهزاده آوردند حسب حکم نواب معزی الیه تقبیر است

چون مقرب الخاقان جهانسوز خان امیر اخور در خدمت محول بنزد استام نموده و خاطر اقدس بجایون را از حسن

خدمت گذاری خود خورسند و اشتمد بود محض ظهور مرام
لوگانه درین اوقات یک لوب کلیجی از طبوس تن مبارک
برسم خلعت مقرب انخاقان شارا ایله عیانت فرمودند

جناب جلالتاب سفیر کبیر دولت علیه عثمانی احمد فرید
در روز چهارشنبه بیست و نهم ماه محرم الحرام بدین جناب
جلالتاب اجل اکرم افرحی صدر اعظم از تجریش بقصر
آمده بود و جناب جلالتاب صدر اعظم در روز جمعه
دویم ماه صفر محض خوشودی جناب سفیر کبیر و ملا خطیب اسکا
دو تنسین علی بن نبزل جناب سیدی ایله بیازدید
میرزا کمال مراد و موافقت بعمل خواهد آمد

نظر بحسن خدمات امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار
حاکم یزد و کرمان که در انتظام امور آن صفحات اهتمام تمام
نمود خاصه در شدت ناخوشی آنجا که روزی چهار صد
نفر از ناخوشی و با تلف می شد محض انجام خدمت دیوان
و انتظام امور ولایت از شهر بیرون رفته از بدو تا ختم
در شهر توقف داشت خدمات او در نظر همه اثر پادشاهی
جلوه کرده مواری یک لوب تنبای زنده حاشیه و
نظامی بسیار مخصوص اهلی از طبوس تن مبارک برای او
مرحمت و ارسال فرمودند

در روز پنجشنبه بیست و نهم ماه محرم الحرام عمده انخاقانین
سردار سلطانعلی خان پسر سردار کهن دل خان سردار قندهار
که سببه اظهار طاعت و انقیاد باین دولت جاوید نماید
بدر بارهایون آمده بود با همراهان خود و شرفیاب حضور
مهر ظهور حضور و الی گردیده و سخن و هدایای که از قبیل
تر در غرض و اعلی و برنج بندی که کمال امتیاز داشت از

حضور مبارک گذرانیده از جانب سنی انخاقانین
انظار التفات زیاده نسبت بشار ایله و سمران
او گردیده مورد مراد اعلیحضرت پادشاهی

مقرب انخاقان میرزا صادق مستوفی که بعزم زیارت
مشهد مقدس در رسیدگی با مورد یوانی آنجا مامور بود
این اوقات با مورد آنجا رسیدگی نموده و از ارض
مراجعت بدر بارهایون خسر و الی نموده وارد دار
گردید

امور استقونلی

سیصد نفر سواره گردانی ابوالکیمی عالیجاه نادری
سر کرده سواره مزبور ابوالجمع مقرب انخاقان آقا خان
سرتیب سواره و اگراد قزوین که مامور خراسان بودند
این اوقات مرخصی حاصل نموده از خراسان بدر بار
هایون مراجعت کرده اند

افواج قدیمی قراکوزلو چون یکسال بود که در قراولخانهای
دار انخلاقه مشغول فراولی و حفظ و حراست بودند درین غایت
ناخوشی بسیار تحت کشیده اند لهذا درین اوقات حسب
هایون مراجعت آنها را لشکر نوبان عظام سان دیده و او
مرخص خانه نمودند که چندی رفته در او طان خود آسوده باشند
و افواج قزوین بجای آنها مامور فراولی قراولخانهای
گردیدند

دو فوج کزازی که مدتی متوقف در انخلاقه بودند درین ناحیه
کشیده اند درین اوقات آنها نیز حسب الامرهایون مرخص خانه شدند
و همچنین دو فوج کرده سی که در سلطانیه در خدمت کابلیون بودند در
مراجعت از سلطانیه مرخص او طان شدند

اجنبار اول خارجه

درین بفت از اول خارجه اخباری نبود که مناسبت
به ترجمه کردن و نوشتن در این روزنامه داشته باشد
مگر آنچه در ضمن احوالات متفرقه نوشته میشود
احوال است متفرقه

در روزنامه یکی دنیای شمالی نوشته اند که درین
روزها کشتیها از سمت کبکی فارسیا آمده و طلای بسیار
از معدن آنجا آورده بودند اما از قرار نوشته است تجارت
آوردن القدر طلا بشهر نیویارک بسکی دنیای شمالی
چندان تفاوتی در قیمت طلا نکرده است و از آن قسیمی که
داشت تزل نموده است اکثر ممالک روی زمین از
جستن طلا در کلی فارسیا منفعت برده اند خصوصاً مملکت
بسکی دنیای شمالی و شهر نیویارک که از آمدن طلا با
وروانه کردن از آنجا بسیار ممالک روی زمین
انبار و رواج و رونق خوب گرفته و منفعت زیاد کرده اند
و در بعضی جایهای آن مملکت که در سمت معدن طلاها
سابقاً هیچ تجارت نداشتند حال بجهت کثرت فلزات
آنجا فراوانست و چونکه بندر بزرگ بسکی دنیای شمالی
اکثر مال التجاره که از فرنگستان می آید و طلای معدن
و غیره با بنجانی آید تجارتشان بسیار رواج است و اهل
آنجا منفعت زیاد ازین تجارت بهرند چه سال مس
و حتی که معدن طلا تازه در آن ولایت پیدا شده بود بسیاری
از مردم کمان میروند که طلا و کچن روی زمین تزل خواهد کرد
بلکه قیمت نقره خواهد شد زیرا که دیدند که طلای فراوان
مملکت کمان بسیار در می آید و لکن حال معلوم شده است که

چندان فرق در قیمت طلا نسبت نقره بهم رسیده است
اما در تجارت و داد و ستد تجارت فرق زیاد کرده است
و در اکثر جایهای روی زمین که تجارت زیاد دارند خصوصاً
بنادرات کمال ممالک تجارتشان بسیار رواج شده است
اهل بسکی دنیای شمالی اول که کبکی فارسیا رفتند و
معدن طلا پیدا کردند از خاک رودخانهها در می آوردند که
خاک را می شستند و طلا از میانش در می آوردند و در
روزها و جاهائی نیز که سیلاب آمده بود همین طوری طلا
از میان خاک می شستند بعد از آنکه جمعیت زیاد با
رفتند اکثر این جایها را خاکش را شسته و طلای او را از
میانش در آوردند بعضی مردم جهان میدانستند که طلا
انولایت نام میشود درین من اصل معدن طلا برآیند
و فهمیدند که این طلا که در میان خاک رودخانه یافت
میشود در میان سنگ سفید است مانند سنگ عقیق
که بر روی آب سیل بکشد بگردانده و حوزد کرده داخل
خاک رودخانه نموده است کارخانه در آنجا راه انداختند
و این سنگ را حوزد می کنند و بعد از آن که رخته
طلای او را در می آورند و اسبابی که این سنگ را با
حوزد می کنند مانند سنگ بار و ط کوبی است و در هر جا که
نار رودخانه و آب روان باشد چرخش را با آب حرکت
میدهند بسیاری اشخاص که در انولایت قدری حساب
نخواه شده اند دیگر خاک طلای شوزند با دیگران
می شوند و اسباب کوبیدن و کافتن سنگ برآید
می اندازند بعضی از ممالک منتهی منفعت زیاد از در آوردن
طلا در بسکی دنیای شمالی دیده اند جمعیت آن ممالک نسبت به

۹۰۳

ولایت حسلی زیاد بود و بجهت زیاد شدن خلق و کمی زمین زراعت با اهل آنجا بسیار تنگی روی داده بود حال بسیاری از آنجا بیرون رفته اند یا بسگی و یا با بجا که آبادی نداشت رفته آبادی کرده اند بامعین طایفه آنست و چونکه مردمان با غیرت و کارکن بسیارشان در آنجا خوب پیش میرود

در بعضی از ممالک منهد در باب کوبیدن ابد اطفال حکم از دیوان است که اگر تادمت میخنی ابد اطفال کوبیده نشود پدر یا مادر طفل یا کسی که طفل متعلق باوست جریمه میشود و صد در این حکم بسیار منفعت با اهل آنولایت کرده است بطوریکه در بعضی جاها که ناخوشی ابد بسیار بود و اطفال زیاد تلف می شدند حال بالمره رفع شده است و چنانچه در روزنامه سابقه نوشته شده است این حکم را دولت انگلیس نیز در ممالک خود جاری کرده است و امید دارند که آنجا نیز اینطور مقرر بگردد که بعد از چند سال این ناخوشی ممالک انگلیس نیز نفعی رفع بشود

درین ایام اهل اکثر ممالک روی زمین در کار مملکت چنان نظر انداخته اند که بیستند جنگ آنولایت آخر یکجا می انجامد گذشته از آنکه جانی که در کل ممالک روی زمین مصرف میشود چنان است که جزئی که در مملکت اسم اهل می آید در چیزهای دیگر نیز تجارت بسیار دارند و طایفه در روی زمین است که تجارت بولایت چنان نوشته شده با و اگر این بولایت اجناس از خود ولایت چنان نخرند از تجاری که اجناس از چین می آورند میخرند اهل هندوستان زیاد تر از سایر از تجارت اینولایت منفعت ببرند خصوصاً از ترپاک

که از جمله حاصل غده هندوستان است و دیوانیان از تجارت ترپاک بتمنای سالی دو ملیان و پانصد هزار پوند که تخمیناً پانزده کرد در پول ایران می شود منفعت بسیار تجارتی که اهل انگلیس با اهل چین دارند سالی نزدیک صد هشتاد کرد در پول ایران حساب می کنند و مکرک چنانچه در ولایت انگلیس که هر ساله عاید دیوان می شود شش ملیان پوند است که تخمیناً بیت و چهار کرد در پول ایران میشود باین دلایل کل اهل روی زمین خصوصاً اهل انگلیس بسیار منتظر اخبار مملکت چین هستند تا مجال جنگ و اغتشاش آنولایت چندان ضرر بداد و دست تجارت نکرده است و لکن احتیاط دارند که اگر این جنگ رود تمام نشود در امورات تجارت عیب و نقصی وارد بیاید چنانچه در روزنامه های سابقه نوشته شده است شهر سنگین که بعد از پیشکن پای تخت چین بزرگترین شهرهای آنولایت است در دست یاعیان بود و چونکه اکثر اجناس که پای تخت میرود از رودخانه که از روی شهر سنگین میگذرد و میرند از راه که شهر نور در دست یاعیان است راه بدون اجناس پای تخت از آنجا بریده شده است و در ولایت چین دیوان مالیات زیاد از خنس میگیرند و مالیات نقدی از خلق بسیار کم گرفته میشود و بجهت سبب شدن راه اجناس از سنگین مالیات نیز عاید دیوان نمی شود در روزنامه های فرنگستان که از روزنامه چین ترجمه نموده و چاپ کرده اند پادشاهان چین را که از طایفه تاتارستان میباشند معول نوشته اند و لکن کویا اصل اسم این طایفه

۷

تاتاری که در چین سلطنت دارند همچو میباشند این مکرک را که تریاک گذاشته اند بسیار کم است
و بعضی قسم می نویسند که طایفه منچو جزو طایفه کمان نده اند که ازین قرار سالی دو که بیشتر از یک که
مفولند و از اول جمله طایفه منچو بوده بخاک چین تا وقتیکه تریاک عاید نبود و این مبلغ کم نسبت باخرجات
درست مستقل و صاحب ولایت شدند چاه زیاد که دارند رفع معطلی آنها را نخواهد کرد
طول کشید حال می ترسند که برسم زدن دولت از هند و سنان خبری نرسیده است مگر آنچه
تاتار بهادر چین هم باز مدتی طول بکشد اگر چه در آخر روزنامه های سابق ترجمه و چاپ شده است
کار باغیان پیش برود و لکن تاتار دولت پادشاهان در باب مملکت برمه که با دولت انگلیس جنگ است
طایفه تاتارستان را در ولایت چین برسم نوشته بودند که جنگ موقوف شده است ازین
دولایت دوباره نظمی بکشد مدتی طول خواهد کشید تفصیل صلح و قرار عهد نامه که مابین دولتین چگونه
خصوصاً ازین سبب که ناچال طایفه تاتاری در چین بسته باشد نرسیده است که درین روزنامه
صاحب ولایت اند و قشون رسید ولایت چین نوشته شود
ازین طایفه تاتار است و اگر در جنگ عظیم شنت در فصل بهار امسال پای پای رومه که بزرگ ملت که لیک
سجورند چنان نیست که دست بکشند خاموش نخواهند شد و حکم آنها آن سمت مالک ایتالیا که رومه
شد و جنگ را موقوف خواهند کرد در هر حال میمانندست از جماعت تجار یهودی که در لندن میباشند
مدتی طول خواهد کشید تا اولایت دوباره نظمی بکشد خواه بجهت اخراجات دولت خودش قرض کرده است
و از قرار روزنامه آخر که ازین ولایت رسیده است از آنوقت که اهل رومه از پای پای منی شدند و او را از
پادشاه چین فرمان صادر کرده و از اهل چین امداد ولایت بیرون کردند تا اینکه قشون فرانسه با امداد
خواسته بود که رفع جمله باغیان را بکند و چنانچه پای آمده و با باغیان رومه جنگ کردند و باغیان را
نوشته شده است بجهت نرسیدن مالیات از شکست داده دوباره پای پای را در اولایت مستقل کرد
جنوب اولایت و ولت بی پول مانده است و مابین مالیات و داد و ستد این ملک بسیار محسوس شده است
سبب مکرک در تریاک که از هند و سنان با اولایت و بجهت رفع معطلی خلق دیوانیان اشخا پول کاغذ رواج
میرود که داشته اند از این قرار که از هر صندوق کرده بودند اما چون خود دولت اعتباری چندان نداشتند
چهل و الار که بیت تومان بحساب پول ایران باشد این پول کاغذ در دست خلق بطوری که معتین شده بود
یکگزین سا با تجارت تریاک مدغن بود اما باو رواج نبود و در داد و ستد بسیار تنزل داشت حال
مدغن شدن باز تریاک با اولایت میسر و مدغن شد این خواه را از تجارت منچو رومه قرض کرده اند پول کاغذ را

۹۰۵

موقوف میکنند و در عوضش پول طلا و نقره میدهند
 چند سال پیش ازین بنا داشتند که درین مملکت
 راه آهن بجهت تردد کال که بنجار مانند سایر دول بسیار
 چون خواهند استند مدتی موقوف کرده بودند اما
 بعد از گرفتن این خواه بنا داشته اند که راه آهن بسیار
 وزود با تمام برسانند قشون فرانسه که چند سال
 در آنجا ساخلو میباشد باز در آنجا بودند و در مملکت
 فرانسه چندی پیش ازین گفتگونی بوده است که این
 قشون را از روم بردارند و بولایت فرانسه بفرستند
 به هند بجهت اینکه دولت فرانسه میخواهد که خارج این
 قشون را بکشد و لکن چونکه دیدند که پایا به و ن روز قشون
 فرانسه امر آنولایت را نمیتواند از پیش ببرد قشون
 مزبور را باز در آنجا گذاشتند سیاحان و غیره که برو
 میروند همه از قشون فرانسه که در آنجا هستند تعجب
 و توصیف میکنند اگر چه بچنگ و غلبه با آنولایت
 آمده اند ولیکن بعد از موقوف شدن جنگ کمال
 سلوک را امر می داشته اند و بیچکس کل از قشون
 فرانسه که ساخلور روم اند ندارد
 از قراریکه در روزنامه فرانسه نوشته بودند کار
 مغرب زمین که بجزیره مینامند و در دست دولت
 فرانسه است روز بروز در ترقی بود آن گسست
 و مملکت که در کنار دریاست کم حاصل است خشک
 و بی آب و اما وسط آنولایت جایهای بسیار حاصل
 دارد و حال دولت فرانسه مشغول ساختن راههای
 سراسر آنولایت میباشد که حاصل آنجا را که از کنگ

۹۰۶

در یاد و رست باستانی با آنجا حاصل و نقل نمایند
 که بفرنگستان و سایر جایهای روی زمین ببرند از جمله
 حاصل اینولایت قله فراوانست و در کتب و سایر
 اقسام میوه و زیتون نیز در آن مملکت فراوان است
 و چونکه در کل فرنگستان روغن زیتون زیاد و مرغ
 می شود زیتون و روغن زیتون حاصل عمده این مملکت است
 که فراوانست و بعد از آنکه راه ساخته بشود این حاصل
 میرود و منفعت زیاد میکند

از قراریکه در روزنامه نیکی دنیای شمالی نوشته بودند
 ما بین آن دولت و دولت مکزیک در خصوص سرحد این
 باز گفتگونی شده بود و اهل مکزیک از اهل نیکی دنیای
 بسیار رنجیده بودند و در نبود که بچنگ بکشد و اگر جنگ
 بشود اهل نیکی دنیای با اهل مکزیک غالب خواهند آمد و
 معلوم است که اهل مکزیک قوه روبرو شدن با اهل
 نیکی دنیای شمالی ندارند

اعلامات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی
 عبدالمجید باسحق در محله زردک دروازه دولت
 لطباع شده از اینمتر فروخته میشود

صحیح البیان	شش تومان	۲
شاهنامه	چهار تومان و نیم	۱۰
معراج السعاده	دوازده هزار	۱۰
حمت نظامی	نه هزار	۱۰
سالك	شش تومان	۲
درارک	سه تومان	۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه هجری ۱۲۷۰

منطقه دارالخلافه طهران

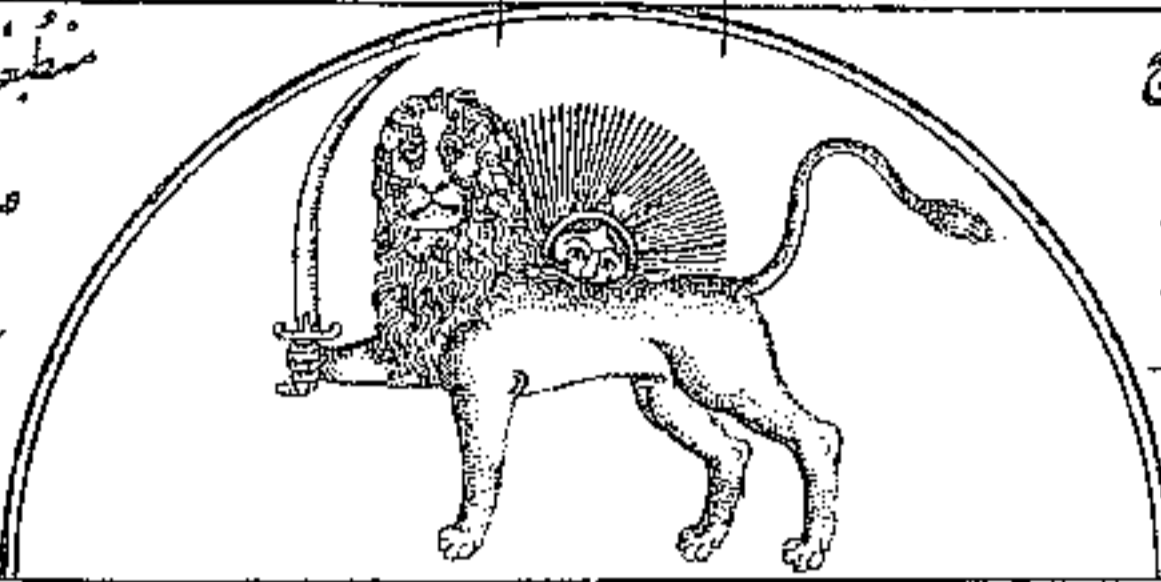
شماره صد و چهل و پنج

صفت اعلانات

قیمت روزنامه

یک سطر چهار خطی
شش سطر پنجاه
بسیار با هر سطر

یک نسخه شایر
و قافله چهار هزار



اخبار و احداثیه ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون تا خوشی و باد در این روزها در دارالخلافه طهران
کلی یافته است حتی از قرار روزنامه شهر روزی دو نفر
یک نفر رسیده و امیدست که بجای رفع شود لهذا
چنانچه در روزنامه گذشته اشعار شده بود در روز
دویم این ماه اعلیحضرت پادشاهی از قصر قاجار
حرکت فرموده یک ساعت و نیم بعبور مانده از دروازه
جدیده محمدیه وارد شهر گردیده و با الشوکه و الاقبال بعمارت
ارک مبارکه سلطانی و مقر سلطنت عظمی نزول اجلا
فرمودند

و آتش بازی در حضور مبارک چیده و آتش بازی
شادمانی مشغول بودند و روز سه شنبه که روز
مولود بود و بقانونی که معمول و متداول این دولت
اعلیحضرت پادشاهی در تالار عمارت باغ باسلام
عام دادند و امسای دولت علیه و مقربان حضرت
مردان لبطت سینه هر یک در محل و مقام خود
حضور مظهر ظهور گردیدند و توپچیان و زنبورکچیان
شیلک توپ و زنبورک نمودند و بعد از انقضای
عام اعلیحضرت پادشاهی بعمارت سردرب
دیوانخانه مبارکه که مشرف میدان ارک است
تشریف فرما گردیده عموم امانی دارالخلافه مبارکه
از صغیر و کبیر در میدان ارک بجهت زیارت وجود
فائز انجود اعلیحضرت پادشاهی مجتمع گردیدند
اطهار صورت و سجده نمودند

در روز یکشنبه چهارم اینماه که اسبان ایلی پادشاهی
در بیرون شهر در هلوئی باغ لاله زار آورده و حاضر کرده
بودند اعلیحضرت پادشاهی طرف عصر از دروازه دولت
بیرون تشریف برده اسبان ایلی را با خط فرمودند

در روز ششم ماه صفر المنظر مبارک رسم معهود
جلالت انصاف صدر اعظم اکرم اراده نمودند
که باز دید جناب وزیر مختار دولت بتهیه

و یکی آنهاره و چاقی منظر مبارک رسیده
در شب شنبه ششم این ماه که شب عید مولود
پادشاهی بود جناب الامیر عالیون اسباب جشن

۹۰۷

چون جناب وزیر مختار تازه بهر آمد بودند رضی
 برحمت جناب معظم الیه نشند و باناسف زیاد
 خواستند نظر کمال اتفاق و التماسی که فیما بین
 ایران در روس حاصل است جناب وزیر مختار
 جناب جلالت اب صدر اعظم را ملاقات نمودند
 و بحضور تایون نیز شرف شدند

جناب جلالت اب پچی کبر دولت علیه عثمانیه در روز
 مولود اعلیحضرت پادشاهی بحضور تایون شرفیاب
 گردیدند

دستم چنین جناب جلالت اب وزیر مختار دولت
 روس نیز در روز مزبور با صاحب مضبان سفارتخانه
 شرفیاب حضور مبارک اعلیحضرت پادشاهی که دیشبه
 نظر برایت خدنگداری مقرب انخاقان محمد خان شکر
 باشتی که خاطر آندس تایون را از حسن خدمات خود خور
 داشته بود در روز نهم مولود اعلیحضرت پادشاهی
 ظهور رحمت ملوکانه در باره مقرب انخاقان مشارالیه
 جبه زره کشمیری برسم خلعت در حق او عنایت فرمودند

چون مقرب انخاقان شیرخان ناظر در انجام خدمات
 خود کمال اهتمام نموده بود و خدمات او در نظر آندس
 مستحسن و مقبول افتاده لهذا درین اوقات یک لوب
 کلیجه از لوبوس بن مبارک برسم خلعت بافتخار
 مشارالیه رحمت فرمودند

امور است قشونی
 فرج بهادران که دو سال بود که مأمور ساخو فارس

بودند بعد از رسیدن عوض آنها بفارس
 روانه رکاب مبارک شدند چون درین چند وقت
 اتنی از خدمت نیاموده بودند لهذا مقرر شد که از قم روانه
 آذربایجان شوند و سرنگ و صاحب مضبان آنها
 برکاب مبارک آمده مطالبی که داشته باشند بدر
 تایون عرض نمایند

افواج فرمانان جمعی عالیجاه محمد حسن خان سیرپ که عوض
 افغان فشار مانور خدمت حران شده اند اینروزها روانه
 خوابند

شایدان سرب که سالهای سال بدولت قایم
 گرد این روزها تصدق فرقی مبارک شد اعلیحضرت
 پادشاهی محض ملاحظه خدمات مرحوم مشارالیه
 سرسکی فوج مخبران قراقرز و جوی و ایچا به رستم خان سپهسالار
 و خود او را با فوج عوض فوج قهرمانیه مأمور خلو کرمان فرمودند

سایر ولایات
 کار گذران از قراریکه در روزنامه اینولایت
 نواب مستطاب شاهزاده والا تبار مصطفی قلی بیگ
 حکمران مازندران در انتظام امر ولایت و رفاه
 حال رعیت کمال اهتمام دارند از جمله بعضی نواب
 شاهزاده رسیده بود که عالیجاه سیرزا اسمعیل خان
 دو هزار کوسفند از رعایای مل و توابع گرفته است
 نواب معزی الیه مجرد استحضار لشکری تعیین کرده
 و رفقه تحقیقت رسیده و کوسفندای رعایای مازندران
 گرفته بصاحبان شان رد نموده است و رعایای مازندران
 کمال شکرگذاری از عطف این دولت علیه نموده اند

۹۰۸

فارس

از بندر نهاوند نوشته بودند که قریب چهار صد گاو
از مال مالی بحرین و غیره با آنجا بجهت در آوردن صدق
مردارید آمدند و بودند مدتی است که در آنجا مشغول
بودند و در آن صدق میباشد

دیگر نوشته بودند که شخصی عربی از بندر عسقلوبه تقریباً
دو فوکه از مضامفات بندر مزبور است میرفته است
در بین راه شخصی شکاری با او برخورد کرده است چون
زیر شال آن عرب پیش رویش برآمد کی بوده است
شکاری تصور کرده بود که گیسو پولی در زیر
شال او خواهد بود بطرح پول عرب بچاره رسانید
کلوله نموده و فوراً افتاده تسلیم نموده بود بعد از آنکه
شکاری بسراورفته و شال که او را کشوده بود خند
دانه پیاز در میان شال او بود و است که آن شکاری
پول تصور کرده بود

دیگر نوشته بودند که شخصی عربی از بندر عسقلوبه تقریباً
اخذ رفته قدری خرما خریده و بالاع خود حمل نموده
و از آنجا مراجعت نموده بوده است در پهن راهی از
عقب او را صدا نموده نگاه کرده است دیده است که
همان شخصی است که با او همزاد فرود خت است نزدیک
رسیده بود تفنگ را بر دست کشید و عرب را
به تیر زد و مقتول کرده و الاغ و حمای او را متصرف
شده بود

دیگر نوشته بودند که یک بغله از مال حاجی عبدالمسیح
بحرینی غم مسافرت بندر لنگه را داشته و در لنگه گاه

آنجا لنگه انداخته بوده است در نیمه شب طوفان عظیمی
افتاده و بغله مزبور را به لنگه گاه زده و خورد کرده بوده
بطوریکه هیچ بر تخته چوب او را در جانی در روی آب
پیدا کرده بودند

در روزنامه شهر شیراز نوشته بودند که نواب
مستطاب شاهزاده و الا تبار موید الدوله ملکاسب میرزا
در رسیدگی بعبایض مالی آنجا کمال اهتمام داشته
از جمله در بان را از در باری آنجا خانه برداشته اند
که هر کس عرضی داشته باشد بدون مزاحمت و تعنت
در بان رفته عرض خود را خدمت نواب معزی الیه بکند
و اجزای آنرا بعهده عالیجاه حاجی محمد هاشم خان
دیوان بیکی و اگر کرده اند که بدون معطلی مطالب
مردم را انجام داده حکم نواب معزی الیه را جاری
سازد و ازین نوع استقامات نواب معزی الیه
عموم مالی انولایت کمال رضامندی و شکر کرداری
دارند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه امامت علی بیگ افشار
یاور تو سپخانه مبارکه که با یکصد نفر توپچی آذربایجان
حسب احکام مسای دولت علیه مامور خدمت فارس
گردیده بود با آنجا وارد گردیده و خدمت نواب شاهزاده
موید الدوله رسیده و نواب معزی الیه نیز کمال
النفات در حق او مبذول داشته است

از سایر ولایات درین مهله اخباری رسیده
که در روزنامه نوشته شود

اخبار دول خارجه

حال چند وقت است که مابین دولتین عثمانیه و روس
غایب معارفت و محبت و گفتگوی مخالفت در میان است
چون دولت علیه ایران را با هر دو دولت کمال دوستی
و موافقت است درین مدت که از گذارش درین
روزنامه گزشت اشعاری نیز منتظر و طالب بود
که گذارش طرفین بصلح بیجا بریزد که دولت علیه ایران
طالب معارفت و جنگ طرفین نبود و این مرحله را خیر
خوشی نمیدانست که در روزنامه نویسد و امیدواری
کلی بود که گذارش طرفین بجنگ نکند و صلح منتهی شود با
کیفیت محبت و مکالمات طرفین در روزنامه های فرنگیان
و غیره علی التوالی میباشند روزنامه این دولت علیه
میرسد ولی بلحاظ مسطورہ نوشتن از امانی دولت
علیه مناسب نیستند تا درین اوقات که کار از
مکالمه بجنگ کشیده و طرفین بجنگ اخبار کرده اند و
مصالحه قرار گرفته است لازم آید که بجای از گذارش طرفین
در روزنامه گزشت قلمی گردد درین گفتگوی دولتین
کشتیهای جنگی انگلیس و فرانسه نسبت به باز پائین
دار شده اند و قشون روس که در آن سرحدات
بود داخل مملکتین افلاق و بغداد که در نقشه های فرنگیان
ناله او دیده و الاکیه می نویسند شده اند و از فرار خبر
که رسیده دولت علیه عثمانیه سردار قشون روس را
که داخل مملکتین مزبور شد است خبر کرده اند که در بارز
روز باید و لایست مزبور را خالی نامیند و الا جنگ

۹۱

قشون سحری انگلیس و فرانسه که چند ماه است در
سمت بیرون بغداد پائین اسلامبول که وارد و در
نیز داخل همان بغداد شده اند که نسبت اسلامبول بسیار
دولت عثمانیه هم این جنگ را جهاد گفته اند و کل
عثمانیه حکم جهاد را فرستاده اند از مصر و تونس و
سایر ممالک تبعه عثمانیه قشون و پیشکش فرستاده
و از طرف دولت روس هم تدارک زیاد دیده اند
و گذشته از قشونی که در زیر حکم ژنرال کارچکوف
داخل مملکتین و الاکیه و مالداوید شده اند در هر یک
از ممالک آن اطراف قشون زیاد جمع می کنند
و همه تدارکات آنها را مهیا نمایند قشون سحری دولت
عثمانیه در بغداد بالای اسلامبول رو بروی قصبه
بیوک دتیه که دو فرسخ از اسلامبول بالاتر است
کشتیهای جنگی عثمانیه را انکرانه اجنته اند
و ادیکتور قشون سحری روس نیز در قرا و دیگر نهند
هر دو قشون حاضر و آماده و جهای حرکت اند بطوریکه
در همان آن که اقدام بجنگ شود هر دو قشون حاضر
حرکت اند موافق روزنامه ها که رسیده است مختصر
گذارش دولتین مزبورین این است و لکن باز آن
دولت علیه ایران امید دارند که کار دولتین بجنگ
نکشند و طوری بشود که از طرفین اقدام مصالحه بشود
خدا نخواسته لا علاج جنگ بشود موافق اخباری
که بعد ازین از روزنامه های آن ولایت میرسد ترجمه شده
و درین روزنامه ها نوشته خواهد شد

ولایت انگلیس برود دارد
فرانس

تاریخ کاغذ آفرینو ولایت نیز بیست و هشتم و پنجاه بود
 یک اردوی بزرگ قشون را که درین ولایت جمع کرده
 بودند مرخص نموده اند و خود امپراطور بان اردو آمده و
 قشون صف مربع بطور قلعه کشیده بودند که یک جانب آن
 باز بود و سه جانب آن صف نظامی کشیده بودند
 و یک طرف قلعه که باز بود امپراطور فرانس با امنای
 دولت در آنجا ایستاده بودند بعد از آن امپراطور
 قشون آمده و صاحب منصبان کل افواج را بحضور حوآ
 بود و بسیار تعریف مشق و انتظام نظام آنها را نموده
 تحسین کرده بود و زوالها از دول استریم و انگلیس
 بیادمانت و مان که هر یک از دول خود را مور این اردو
 در خدمت امپراطور حضور داشتند و اسم این اردو
 اردوی سطورست و اردوی بزرگ دیگر که دارند
 سمت شمال مملکت فرانسه است و اردوی حلقه میانی
 از اسم بنام داشتند که در مپیت و سیم ماه پنجاه
 مرخص گامیند و بعد از مرخص کردن اردوی سطوری
 امپراطور و امپراطریس زوجه او از آنجا روانه شده اند
 که در سمت شمال مملکت فرانسه مساحت نمایند و بنام
 شهر لیل و قصبهای کالی و سنت او مر اسباحت
 میکنند

در روزنامه دولتی فرانسه که نایستیم بنامند
 که مگر که جزئی و راهداری که از کشتیها در عبور از رودخانه
 می گرفتند این اوقات از کشتیهای که عمل داد و ده در آنجا

انگلیس کاغذ آخر که ازین ولایت رسید برود
 بیست و هشتم و پنجاه بود درین فصل تابستان کشتیهای
 جنگی زیاد در دریای باریک مابین مملکتین انگلیس و فرانسه
 کشت و مشق حرکت میکردند و در روزنامههای انگلیس
 نوشته اند که حکم شده بود که این کشتیها بشرف
 مملکت ایرلند بروند و از آنجا آذوقه برداشته بمیت
 اق و دیگر روانه شوند

پادشاه انگلیس در مملکت ایرلند بود و از آنجا کشتی
 خاص خود را سوار شده بولایت سکاتلند رفته بود
 که در کوهستان آن مملکت که در فصل تابستان بسیار
 باصفا میباشد چندی توقف و تفریح نماید

در روزنامه اطبای شهر لندن بنا بر سنج مپیت و پنجم پنجاه
 نوشته اند که ناخوشی و با تازده در مملکت انگلیس برود
 کرده بود و این بار ششم است که ناخوشی و با با نیولان
 آمده است این و با که حال مملکت انگلیس رسیده است
 در مملکت ایران برود کرده بود بعد بمملکت روس میرا
 کرد و تا شهر ارگنجال که نزدیک بپنجاه است رفت
 بعد در ممالک کنار دریای شمالی برود کرد و در ممالک
 وینچارک و میوید و نازوی شدت تمام داشت و در
 شمال روسیه از جمله شهرهای سیتین و برلین و راتیروم و
 همپوزق نیز برود کرده و درین شهرها بسیار مردم تلف
 شده اند و از آنجا بولایت انگلیس رفته اول از آنجا
 که در ایام مپیت و دو سال پیش ازین برود کرده بود باز برود
 کرده حال در شهرهای لوگسین و اطراف شمال غربی

۹۱۱

می نمایند بر داشته اند

درین مملکت مانند ایران همت فرنگستان اسال جا
غله از هر قسم بسیار کم آمده است و از خارج غله زیاد
آورده اند و خلق خریده اند و دیوان هم غله خریده
و انبار کرده اند و غله که دیوان خریده اند از مملکت
آورده اند و پنجه جبره قشون سحری و بریت آما با خود
این نان دریای تخت آران کرده و باعث کله خلق
شده بود

در راه این شهرهای پاریس و برود و دو دست
کال که بخار برسم خورده و پنج نفر کشته شده
و بسیاری نیز زخمی و کشته گردیدند

از شهر تولان که کشتی سازخانه و قورخانه بزرگ
مملکت فرانسه در آنجاست نوشته اند که غله زیاد
بآنجا آورده بودند و چون که در راه هم بسیار بود
که در آنجا داشته اند جای نقد غله نداشت و انبارها
دیگر در آنجا خالی و خراب میگردند

در روزنامه پاریس مای تحت فرانسه تاریخ بیست و نهم
ذی قعدة نوشته اند که ولی پاشا ایلیچی که پسر از خان
دولت علیه عثمانیه که مأمور سفارت دولت فرانسه
بود از پاریس بقیصه دیپ رفته بود که در آنجا بخت
امپراطور فرانسه پس
است

در تاریخ دهم ذی حجه امپراطور این مملکت از پاریس تحت
وینده روانه شده بود که باردوی المظس برود و تاریخ
بیستم ذی حجه امپراطور روس بار دوی مزبور بیدین

امپراطور استریه آمده بود و امپراطور استریه هم
استقبال امپراطور روس نموده و با هم داخل ارد
شده بودند و در بیت و دویم و پنجمه قشون را بیرون
آورده بودند پنجمه مشق حرکت کله چهل و شش هزار نفر
بودند و با کمال آراستگی و سکوه و زینت مشق میکردند
وزیر مختار پادشاه انگلیس و وزیر مختار پادشاه فرانسه
نیاید استند که بار دوی مزبور بیایند و در بیت چهارم
ذی حجه امپراطور روس از آنجا روانه شد که بشهر وارد

برود و می گفتند که امپراطور استریه نیز بشهر وارد
ببارزید امپراطور روس میرود که بار دوی المظس
امپراطور استریه آمده بود المظس شهری کوچک است در
سمت شمال وینده و سی فرسخ از شهر وینده دور است خود
شهر المظس بیشتر از نوزده هزار یا بیست هزار جمعیت ندارد
و لکن بلوکات و محال اطرافش که همین اسم را دارد
بسیار آباد است

در گزنت دولتی شهر وینر نوشته اند که کتیبهای
بان شهر آمده بودند و غله آورده بودند که رفع معطلی
آنجا از آوردن غله بسود و لکن همت غله تنزل نکرده
بود بلکه قدری رو بترقی بود و از زمان گذشته بود

در روزنامه وینیه تاریخ شانزدهم ذی حجه
بودند که تاج سلطنت مملکت مجارستان که در قاف
اغشاش آنجا سقوط شده بود درین روز ناپیدا
کرده اند و بدست امپراطور استریه رسیده است
و لکن تقصیل پیدا کردن تاج مزبور بسا بر اسباب

زینت سلطنت را درین روزنامه نوشته اند و
 درین باب ارتش دوک البرط که یکی از اقوام امپراطور
 استریه و حاکم چهارستان است قیمت امپراطور
 استریه و خدمت او در این مضمون که جای شکر است
 که این تاج و اسباب سلطنت چهار دو باره بدست
 پادشاه باستحقاق این مملکت افتاده است و من
 از جانب اهل چهارستان مراتب اطاعت و القیاء
 و جان فشاری و خدمتگزاری آنها را خدمت اعانت
 امپراطور عرض میکنم امپراطور در جواب او فرموده بود
 که بسیار خورسندم از میدا کردن این تاج و اسباب
 اسباب و منظور من این است که بعد ازین خود اهل
 مستحق این تاج باشند لهذا این تاج را بدست حاکم
 چهار میدهم که در پای تخت آنجا نگاه دارد
 احوالات مشرفه

در روزنامه انگلیس نوشته اند که روج لوی فلیپ
 پادشاه سابق فرانسه که چند سال پیش ازین فوت
 شد میخواست از مملکت انگلیس شهر لزبون پایتخت
 پور تو قال برود در دریا طوفان ریاد شده بود و نتوانست
 نتوانست برود و مراجعت داده بودند و ملکه فریو
 با عیال خود که همراه او بودند بیرون آمده و بلند
 مراجعت کرده اند

در روزنامه برلین پایتخت پروسیه نوشته اند
 که پادشاه پروسیس از آنجا روانه شده بود که بشهر
 بیدین امپراطور روس برود
 در روزنامه شهر ایزدم مملکت آلمان تاریخ ۲۸

و می خواند نوشته اند که پانزده روز بود که ناخوشی
 و باور آنجا برود کرده بود اما چندان شدت داشت
 و امسای دولت آنجا چون نخواستند بود که مردم را
 بخوبی بیدارند چیزی در روزنامه چاپ کرده بودند
 اما در روزنامه همان تاریخ در خصوص و باور شده بود
 که در چهار روز پنجاه و یک نفر تازه ناخوشی و باور آنجا
 گرفته بودند و عیب و عفت نفر و باقی فوت شده اند
 و ده نفر بغیر و باقی صحبت یافته اند

پادشاه یلتر با هیاتش در مملکت خود سیاحت میکرد
 و از هر کجا که گذشته بود مردم با کمال شوق و شغف و
 ده نغمه ای استقبال و احترام نموده بودند

در روزنامه اسپانول که در زبان فرانسه چاپ
 در خصوص واری که تا پیش دولت فرانسه گذار شده
 با بطور نوشته اند که پارسال و کلای دولت فرانسه

با طبعیبان در چند مجلس اجلاس کردند که در خصوص
 که احتیج بنائی بگذارند که از میت خلق کمتر باشد
 سببها و حمل و نقل آذوقه و بارهای تجاری در کرا
 معطلی بینند بطوریکه در بعضی جاها که سابقا مردم
 بارهای تجاری را نگاه میداشتند حال کراحتین را در
 آنجا موقوف می کنند باز در بعضی جاها اهل
 مردم را در کراحتین نگاه میدارند که ولایتها را از نا

اسری محافظت نمایند در روزنامه دولتی فرانسه
 بینت و سیم شعبان چند فقره این عهد نامه را حا
 زده اند و کلای دولت و وای پاست که از جانب دولت
 عثمانیه در پایتخت پاریس سفیر کبیر است باین قرار نقل

در ایام قدیم کشتی و سیاحت که از مملکت عثمانیه به کشتی
می آمدند و ایام الاوقات در کراختین نگاه میداشتند حال
بعضی ازین کراختینهار را برداشته اند بسبب اینکه خان
جمع شده اند از نظم کراختینهای مملکت عثمانیه کشتی که
از سمت قزاقیکر تا ملک اطراف آق و دیگر روانه میشود
اگر شت روز در راه بوده باشد و ناخوشی در اول
روز نکند بورد و در لایات مزبور کراختین ندارد مشروط
بر اینکه یک نفر طبیب در کشتی مزبور باشد و اگر طبیب
نباشد مدت ده روز معین کرده اند این کراختین را
در قدیم بسبب ناخوشی طاعون گذاشته بودند حال
حاضر است که این ناخوشی بامزه از اکثر مالک رفع
شده است از آن سبب لازم نمیدانند که بان سچی کراختین

نخاه بدارند

ایضا در همین روزنامه نوشته اند که بسبب ناخوشی
و با که در مملکت ایران و روس چند وقت است که بروز
کرده است درین روزنامه در شهر اودست مملکت روس
همه مت در کشتیها که از سمت اودست و سایر شهرها
کنار قزاقیکر با سلامبول می آید پنج روز کراختین
گذاشته اند

ایضا در همین روزنامه نوشته اند در خصوص کارخان
کاغذ که دولت علیه عثمانیه در اصبیر بر راه انداخته اند در
روزنامه در میان کارخانهای کاغذکننده کارخان باین
بزرگی و خوبی است در اول ساختن این کارخانه چنان
ساختن کاغذ بجهت کار در دفترخانه دولتی بر راه افتاده بود
حال زیاد بسیارند و بفرستش هم میرود و ازین معلوم

که این کاغذ را چگونه خوب میسازند که چند سال پیش این
وقتی که نمونه اجناس کل روی زمین را تجارت بلو
لندن جمع کرده بودند نشان پسندیدن کاغذ این کارخان
بصاحب کارخانه مزبور دادند و در اول ساختن این کارخان
بسیار مشکل بود جسم از برای اینکه جانی که این کارخان
می ساختند چمن و گل بود و خشک کردن آنجا و ساختن کاغذ
بر روی آن صعوبت داشت و هم اخراجات زیاد
سبب آوردن عکله از جایهای دور دست داشت حال
هزار نفر درین کارخانه کار می کنند و کاغذها که میسازند
مقابل کاغذهای فرنگستان می آید

در اسلامبول طایفه جهود که در آنجا هم بسیارند و
متمول و دولتمند روزنامه بزبان خودشان بر راه انداخته
و بسیار بطور خوب هم راه میرود و چند وقت پیش
که زلزله در شهر غیر مملکت یونان اتفاق افتاده بود
و بسیاری از مردم آنجا تلف شده بودند و خانها
خراب و شکسته شده بعضی اطفال یتیم مانده بودند
بسیاری از مردم در بیرون بی خانه و منزل در نهایت
عسرت و پریشانی بسر میبردند درین بین احوال پریشانی
اهل آنجا در روزنامه جهودان اسلامبول نیز مانند
سایر روزنامهها چاپ زده شده بود جهودان
بعد از اطلاع ازین گزارش در میان خودشان
تخواه زیاد بعنوان احسان بفقرا جمع کرده و باهل شهر
مزبور که سبب زلزله متضرر شده بودند فرستادند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم ماه صفر سنه ۱۲۷۰

نزد صد و هفتاد نفر

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

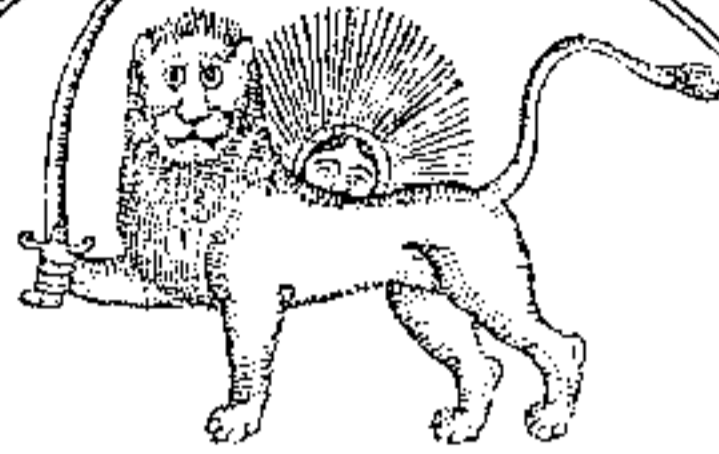
قیمت اعلانات

یک ششده شاهی

کتاب سطران چهارم که از

وقایع چهارم

پیشتر بهر پیکر



اخبار واحوال ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز جمعه نهم این ماه اعلیحضرت پادشاهی بفرموده
امامزاده واجب التعظیم حضرت شاهزاده عبدالعظیم
حکومت فرمودند و بعد از زیارت حوالی عصر کباب
بفرمودند بانه مبارک مبارک که سلطانی مراجعت

که امیرالامراء العظام سردار کل عت کر منصور از دربار
هایون با آذربایجان روانه شود که قشون آن سرحدات را
مصنوب و متین نماید که در حال و سرکونه اتفاقی که بیفکده
دولت علیه ایران مأمون و محروس باشد و درین
امیرالامراء العظام سردار کل حسب الامرهایون روانه
خواهد شد

و هم چنین در روز دوشنبه بتفریح امیرآباد و آن
اطراف عزیمت فرموده شریف فرما اینجا گردیدند
و تا غروب آفتاب در آنجا توقف و تفریح فرمودند
غروب آفتاب بفرمان سلطنتی و در آن وقت فرمودند

در روز چهارشنبه چهارم این ماه عالیجاه بلندجاه
ایت صاحب قوسول دولت بهیه انکلیس مقیم دارالخلافه
طهران که مدت سه سال بود از دولت خودم خشن شده
و بوطن خود رفته بود وارد دارالخلافه گردید و از آنراه که آنرا
دولت علیه ایران دایم الاوقات طالب دوستی
دولت بهیه انکلیس هستند و نظر با احترام عالیجاه
عالیجاه مقرب المحضه انخاقانیه میرزا عبدالغفار خان
اول جناب وزیر دول خارجه را با سی نفر عظام و چند نفر
صاحب منصب باستقبال عالیجاه مشارالیه رساندند
و او را با کمال احترام وارد شهر نمودند

نظر باینکه بر هر دولتی لازم است که مملکت و رعیت خود را
از هر گونه صدمه و آسبی محافظت نماید خصوصاً در این ایام
که بهمت ملوکانه اعلیحضرت قومی سوکت پادشاهی
همواره بمصرف و انتظام امر ولایت و رفاه حال
لنذارین روزها که مابین دولت بهیه روس و دولت
علیه عثمانی چنانچه در روزنامه مضمون شده است
جنگ است باقتضای رای جهان شری و والی و ملا حظ
حفظ سرحداتی که بهمت دولتین مزبورین است حکم فرمودند

۹۱۵

۱۴۶

امور استثنائی

سایر ولایات

چون مرحوم عباسعلی خان میرنچ اوقات خود را صرف خدمتگذاری کرد و خدمات او منظور نظر همایون بود لهذا عالیجاه مادی خان سپه او را مشمول رحمت طوکار داشته منصب جلیل تهرسی افواج نیشابور و تربت از فرار فرمان جهانمطاع مبارک به محول فرمودند و این روزها از رکاب مبارک مرخص شده برای سرکشی افواج مزبوره روانه خراسان خواهد شد

آذربایجان از فرار نوشنجانی که درین روزها از تبریز آید ناخوشی را با که چند وقت پیش ازین در اینجا بروز کرده بود بعد بواسطه سرد شده و عرف باریده و نا منبور تخفیف بهم رساند درین روزها باز شدت گرفت بطوریکه روزی پنجاه نفر و شصت نفر میمیرند و خطیب را هنوز در روزنامه دولتی که از اینجا پیش می آید نوشته اند اخبار مکاتب و گفتگوی خلق است و امید است که انشا

باین شدت نبوده باشد

سید

عالیجاه حیدرعلیخان نایب دوم اجودان باشی که سیاه سال است بخدمات نظامی مشغول است چون در این خدمت کمال وجهه از او ظاهر شده بود لهذا اعلیحضرت پادشاهی منصب سرسنگی فوج شهباز از فرار فرمان مبارک مبارک به رحمت فرمودند و حسب الامر برای سرپرستی فوج مزبور و تقدیم لوازم این خدمت روانه خراسان است

از فرار یک در روزنامه انولایت نوشته بودند میرزا عباس شرا بله کوبی درین اوقات سیصد و پانزده نفر اطفال آنجا را قبل از ناخوشی و با و در بین ناخوشی با آبله کوبیده است که یکی خوب شده اند و هر کس درین عمل اجمال نموده است ضرر آن عاید او شده است از جمله میرزا محمد علی مستوفی در آبله کوبی طفل خود اجمال نمودند و طفل او مرض آبله در گذشت است

دیگر نوشته بودند که سبب انیت و رفاهیتی که بهال درین ولایت حاصل است انواع نعمت کمال و فراداد و تعبیر اجناس از سالهای دیگر از آنراست و عموم سکنه و ارا العباده یزدان نیز جمله شاکر و دعاگوی دولت قاهره میباشند

حاجی ملا باقر و کانی که از جمله علمای یزدان است چون نسبت با داده بودند که از طایفه ضالان باین است لهذا امیرالانظام سردار او را بکرمان خواسته اند که در باب این تحقیق نماید

عالیجاه علیخان سرسنگ فوج چهارم تبریزی که این دو سن و سال تا بحال بزرگی نظام مشغول است چون برباطت و استعداد او در استان بجایون مقبول و مطبوع افتاده بود لهذا موافق فرمان جهانمطاع مبارک به منصب جلیل تهرسی و نیابت اول اجودان باشی گری و لقب مقرب آنخانی مفتخر و سرفراز و مود

پانصد نفر سواره ایلات قره وین که برکاب همایون آمده و مامور خراسان بودند چون ماموریت آنها بجهت زیادتی لوکر سوار در سرحد خراسان ضرورتی نبود لهذا مرخص خانه شدند

اخبار دول خارجه

انگلیس پادشاه این ولایت از قراریکه نوشته اند
در مملکت یکانه بود و پرنس البرط اکثر روزها بکار
گوزن میرفت و پادشاه بنا داشت چند وقت
در آنجا توقف نماید و جمیع کس همراه خود با آنجا بر
بود

فرانس

امپراطور فرانسه در ایام توقف در قصبه دیت
در اطراف قصبه مزبور کت و سیاحت کرد که
بنا بگذارد سکونی در میان دریا بجهت لنگرگاه کشتیها
سازد که در هنگام طوفان از ضرب امواج محفوظ
باشند و نشان آنجا آورده و قرار ساختن سکون
مزبور را گذاشته اند و در مدت سال بنا گذاشته
که با تمام برسانند و یک لیان و سیصد هزار فرانک
که تخمینا صد و سی هزار تومان پول ایران باشد محتاج
ساختن این سکور برابر آورده اند چونکه از قصبه مزبور
رود زیاد میشود خصوصاً سیاحان که از مملکت انگلیس
بمملکت فرانسه می آیند لنگرگاه خوب در آنجا گذاشته
ساختن این لنگرگاه بسیار فایده بخلق میکند و در هنگام
طوفان مأمور کشتیهای که در دریای آنجا کشت مینمایند
میشود

کرانی غله و نان در بعضی بلوکات این ولایت باعث
افتشاش شده است و در یک جانی مابین ^{خوکاران} ذرا
و عملها جنگ اتفاق افتاده است عملها میجو است چند
عزای بارکشی که غله در آنها بود تصرف نمایند رعایای

ممانعت نموده بودند و مابین آنها جنگ شده بود که
از آنهم تجار از دول خارجه بنا داشتند غله زیاد
وقتی که شنیدند که خود دیوان از خارجه غله میخرند و بان
ولایت می آورند تجار تا چند مدت موقوف کردند ^{خطه}
اینکه آوردن غله دیوانیان ضرر آنها بشود بعد معلوم
که آرد که دیوان از خارجه خریدار است محض برای ^{فروش}
و در غلی بخلق ندارد تجار نوشتند که باز غله بملکت فرانس
بیاورند در روزنامه سابق فرانس نوشته اند که کما
نذاشته اند که حاصل غله امسال اینقدر کسر بیاید اما حالا
معلوم شده است که حاصل امسال نسبت سالهای
پیش یک ششم کم آمده است اگر غله که دیوان و غیره
خریدند انداز مملکت انگلیس آورده اند اما منتظر بودند
که کشتیها که از سایر ولایات غله بار کرده بودند بولایت

فرانس برسند

امپراطور فرانسه که چند مدت در کنار دریای باریک
مابین مملکتین فرانسه و انگلیس در قصبه دیت توقف
داشت موافق روزنامهها که این روزها رسیده است
بشهر پاریس مراجعت کرده بود
قشونی که در اردوهای سطور و حلقه بودند که در روز
سابق نوشته شده بود مرتخص شده اند و لیکن هر
دسته در جای خود هستند و همه مدارکات آنها حاضر
و عیاست که اگر لازم باشد بهرمت که بخواهند دیوان
معتدل حرکت بدهند

در شهر پاریس که بجهت کرانی نان جزئی افتشاش شده بود
نظم داده بودند و لیکن خلق از جفا آن بسیار کجا

و میخواستند جمله بکاکین خبازان بربند مستحقین دولت
مانع شده و نگذاشتند و امیر بطور قیمت نازم تعیین کرده

و قهغن نموده اند که از زرخشی که قرار گذاشته شده است

که آن تر تفره شدند تا چند وقت خبازان بقیمت مزبور

بمی فروختند و تا آن کم می بختند و بهین سبب مردم

رنجیده بودند و باعث اعتناش شده بود اما حالا

گرفته است

استریه

عروسی امیر اطوار این مملکت در آخر پانزدهم خواهد بود و در آن

زیاد بجهت این عروسی میدینند

بعضی از مفتدین این ولایت را درین روز صاحب

گشته اند و اشخاص مزبور از آنها بودند که در مسکاتیم بگفته

ایطالیان و مجارستان جنگ بدولت کرده بودند و بعد از آن

آنکه امیر اطوار تقصیر آنها را عفو فرموده بود میخواستند

افسوس و شجاعت نمایند و بفرستی و سایر فرجهای اولاد

مسکاتات ارسال میکردند در میان این مفتدین یک نفر

کشیش بود و کشتن کشیش خلاف رای اکثر اهل اولاد است

اول او را از کشتن خارج کرده و بعد مثل سایر مقصودین

پسکی و نیای شمالی

درین مملکت در خصوص که از شش جزیره گوته که اهل سکی دنیا

میخواستند بی اذن دولت آنجا را از حیطه تصرف دولت

سپانیول ببرد این بیادند ما بین دولت که دول

فرانس و انگلیس و نیکی و نیای شمالی باشند گفتگو

شده است و این سه دولت میخواهند عهد نامه ببنند

بجهت محافظت جزیره مزبور که یکس از تبعه دول مزبور کابری

گنندند که باعث برنجوردگی آنجا شود این گفتگو باز در میان

است اما هنوز قرار گرفته است

از شهر نیو آریلیانس نوشته اند که درین روز تا ناخوشی

که از قسم تب است که اطباء تب زرد مینامند که بدن

مریض درین قسم تب بسیار زرد میشود چنانست

کرده است که روزی بیشتر از سبب نفوس میمیرد در شهر مزبور

و قسم خلق اندکی اولاد فرنگها هستند که آنها که از

فرانس و انگلیس و غیره سالهای پیش با آنجا آمده

آنجا را آباد کرده اند و اگر آنها در آن اطراف صاحب

اطلاک شده اند و چه از آنها که درین ایام بجهت شغل کار

با آنجا می آیند و یکی دیگر سیاههای آنجا که علامت کینه

این ناخوشی بفرنگها زیاد سراسر می کند و سیاهها

چندان تاثیر نمی کند شهر نیو آریلیانس بدی است و بواسطه

مشهور است خصوصاً در آخر تابستان و تا یکماه از تاب

رفته نزدیک است بروی خانه بزرگ که مسیحی میمانند چنانست

همسوار است و چکل و نی زار و زمینش آلوده با رطوبت

و بآب نزدیک است که در اکثر جاها یکدفعه که می کنند

آب درمی آید از آنجا بجهت قبرها را بسیار کم حفری کنند حتی

درین ناخوشی چونکه مرده را زیاد بودند و مردم دست

مجال دفن کردن آنها را گذاشتند زمین را با کتان

شمار میکردند و مرده را در زیر خاک پنهان میکردند

اشخاصی که مرده را دفن می کنند کلاً از سیاهها هستند

و با اینکه باین سیاهها پول زیاد میدادند باز نمی توانستند

مرده را دفن بکنند تا بوقت در بیرون پیش روی

اشخاص مانده در هوای گرم و مرده را کندیده و متعفن

شده بودند آخر از راه لاندی صد و بیست و پنج نفر
 با تابت سوزانده بودند و بسیارها پول زیاد دیدند
 و عرق میخوردند و مست می شوند و عیش می کنند چون که
 ناخوشی آنها را میگیرد در این اوقات اهل آنجا بسیار
 مزبور بسیار محبت می کنند از ترس اینکه از صاحبان
 خود باغی نشوند که آنها را بکشند بجهت اینکه حال از سفید
 بسیار کم مانده اند و اگر اهل شهر غلام و کثیر سیاه
 جای عیش این سیاهها فرستاده است و در میان
 که اموات را دفن می کنند عیش و شرب و خواندن
 در قصه می نمایند در بعضی روزها هم هر یک از این سیاهها
 ساعتی دو تومان داده اند که مرده را دفن نمایند
 کسی اینطور ناخوشی تا این ایام بخاطر نداشتند و مانند طاعون
 سالهای سابق در فرنگستان است خصوصاً طاعون
 که در ایام نزدیک بدوستان پیش ازین در لندن
 و بطوری شدت کرده و مردم چه مرده و چه متفرق شده
 بودند که در بعضی کوچه های شهر با این بزرگی علف رویده
 بود و اگر مردمان سفید نیوار لیانش لطیف و سلاطین
 رفته اند و لکن باز ناخوشی در آنجا تخفیف نیافته بود
 خصوصاً باغی شدن سیاههای آن سمت در یکی از
 روزنامه های انولایت نوشته اند که اگر چه اهل نیوار لیان
 توشش از سیاهها داشتند اما کمان نمیگردند که
 سیاهها با عیگری بکشند در قدیم بسیار اتفاق می افتاد
 که سیاههای آن مملکت باغی میشدند و آقا با ن خودشان
 می کشند ولی درین بیست سال آخر کم اتفاق افتاده است
 و همیشه درین میدانند که نصف اهل پیشکی دنیای

میخواهند که قاعده نگاه داشتن غلام و کثیر سیاه را
 موقوف نمایند و کمان دارند که در آخر موقوف میکنند
 سیاهها این مرحله را نمیده اند و میدانند که اگر باغی شوند
 کار خودشان عیب می کند مردم انقدر طالب آزادی
 آنها نمی شوند اطبا در خصوص ناخوشی در شهر نیوار لیان
 مشورت زیاد کرده اند و همیشه را ازین میدانند
 که اصل مقام آن شهر بدست و ندرکنده اند که فاضل
 آنجا را بیرون بکشند که اطرافش خشک شود اما
 همواری زمین بسیار مشکل است این بت زده در آن
 خاک آن سمت که نزدیک بدر با هستند جیاش
 و لکن در ایام قدیم پیش از آنکه فرنگها با آنجا بیایند این
 ناخوشی نبود حال سببش را از کثرت و ازدحام خلق
 و کسافت شهر میدانند

پور تو قال

این مملکت نسبت با ایرمالک فرنگستان بسیار
 کم ترقی کرده است بلکه در بعضی جهات بسیار تنزل
 در روزنامه نوشته اند که درین روزها میخواستند
 کالک که بجهت نشیمن خلق برآه چند از نذر عایای آنجا را
 نشدند و اندک استند کالک مزبور راه برود
 بجزه او را سنگتند و یکی از سیاهان را که در آنجا
 نشسته بود زخمی کردند کالک که چی بشهر گشت و
 نظام آورده چهل و چهار نفر از عایا را گرفته محبوس
 کردند و عایای آنجا بسیار عبرت و تشکی میکند از آن
 و بسیاری از ایشان بملکت برآید و سایر ممالک
 امریکای جنوبی میروند و لکن میکنند که بسیاری از آنها

پسینگی دنیا میرود و عرض آن ببرد با ولایت آباد می کنند
پاسیری میفرستند در یک کشتی یا قند نفرات
رعایا نشتند بودند و کمان داشتند که اینها را بجهت
و با سیری فروخته باشد

ملکت بود و قبال جای بسیار خوش آب و هواست
و میوجات فراوان دارد و یکی از حاصلهای آنده اولی
میوه است درین روزها نوشته اند که افعی در میان
میوه افتاده است درختهای شاه بلوط و امرود و انجیر
و پلو و نارنج و تاک انکو زیاده ضایع شده اند خصوصاً
درختهای مرکبات اقبیل نارنج و نارنگی و غیره و این
درختها باین طرز ضایع میشوند که بیخشان می رسد و بوی
بازار استقام میشود و در کشت میوه کوپیمبر از در
میوه و آب بسیار بی طعم ضایع شده اند

احوال استخفیه

در یکی از روزنامه های اسلامبول در خصوص پیدا کردن
سلطنت ملک مجارستان باین طرز نوشته اند
در آخر غناش ملک مجار که با عیان بنک آمده بود
صندوقی از این صندوق و دولتی آن ملک را
مرصع و بالاپوش سلطنت و سایر اسباب و جواهر
را در آن صندوق گذاشته نزدیک برودخانه دول
در زیر خاک دفن کرده بودند در روز نوروز فصل
گشته سبیل زیاد آمده و اطراف رودخانه را آب
سبیل بالا گرفته و شسته بود و صندوق مزبور بیرون
افتاده بود بعد از تمام شدن سبیل صندوق را در
رودخانه یافته بودند آورده گشودند دیدند که تاج

سایر جواهرات و اسباب سلطنت مجار در میان
است بر روی کشتی گذاشته بشهر است آورده و آنرا
بشهر وینیم پای تخت استقریه بخدمت امپراطور آن
آوردند و بجهت شادمانی پیدا شدن تاج و اسباب
سلطنت مجار در روزی که پوینته وارد کرده بودند
یک تیر تیر شلیک کرده بود

در روزنامه فرانسه نوشته بودند که جنابزنی یک
کهنه را که سالها مان در او پنجه شده بود خراب میکرد
از نوب سازد در وقتی که عملها مشغول خرابی او شده بود
قریب دو لیست بار در آنجا بود و چهار صد تخم دارد
بیان بعضی از آن تخمها اسم بارهای کوچک بود که نزد
بود از تخم بیرون بیاید

والده پادشاه اسپانول از فراری که در روزنامه
بود درین اوقات با شوهر خود بشهر لندن آمده است
و بنیاد دارد چند وقت در ولایت انگلیس توقف میساخت

اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاج عبده
باسیچی در محله نزدیک بدروازه دولاب کعبه
از اینقرار فروخته میشود

مجموع البیجان	شش تومان
شاهنامه	چهار تومان و نیم
مدراج العاده	دوازده هزار
ختم نظامی	نه هزار
جوهری	شش هزار

حاجی عبدالکریم قداری که تاجر است معروف به بیعت با اخصای
 این دولت علیه موصوف و اقسام حقوق و معاملات متعلقه بیعت این
 وایم در حق او سعی و مجری گردیده که لهای سال است که انواع عیال تلک
 در عیسی درین مملکت دارد و اکنون صاحب صد هزار تومان املاک است
 و بین فقره فقط بیعت او را بین دولت برای کس برهن میبازد
 بتدو دولت اجنبی نمیتواند در دولت آخر پیش از قبول کردن عیسی
 اند دولت صاحب املاک کزاف باشد و همین جهت در عهد خود
 خانان خلد اشیمان و چه در عصر شاهان بخت از امکا تا اوایل سلطنت
 او با نوسن علی حضرت امیر شاهنشاهی صان آنده شوکت عن
 همیشه با او مثل یکی از بجه و بجا مخصوص این دولت علیه رفتار میشد و
 و وقت من الاوقات از طرف دولت بیعت کلیس در حق او تصانیف
 و اظهار حمایت نمیگشت حتی در ایام وزارت مرحوم حاج میرزا تقی
 باقشبی که در حق او طور کرده بود او را با وجود بودن با موقوف
 انگلیس در دراز انخلا و خیر و تادیب نمودند و احدی از آنها
 گفتگو و حمایت بر نیامد حال چند سال است که بخلاف ایام ماضی از طرف
 سفارت دولت بیعت کلیس بدون مستندی که مقبول اولیای دولت
 آید در حق او اظهار صاحب میباید و مدعی بیعت او بدولت ایشیا
 د هنوز این گفتگو در میان بیعت مخصوص او با حده و بین نظر با دعای
 تسامح و قیاس است این روزها عالیجاه جلالت مسمره طاهرین صاحب
 دولت ایشیا خواهر امیر پاره امور مصلحت او را نموده اولیای دولت علیه
 جواب دادند که متعجب با اختصاص او با حده و بین شخص دولت
 پس از آن با قضای بیعت او با حده و بین قرار کرده و عالیجاه ایشیا
 با بیعتی متقاعد نشده پای تصاحب ایشیا و بالآخر که استیضای اجری
 او بدو کن استخاره اولیای دولت علیه اقدام نفرستادن محصل ایشیا
 بر سر خانه نواب فتح الدین میرزا که از خنشان نزد یک سلطنت نمودند

که منافی تو این بلیه و شرعیه دخل احتیاط و احتمال مفاسد کلمه بود
 معذ اولیای دولت علیه تا حدیکه منافی ناموس سلطنت عظمی نشود
 اصلاح آن برآمد مفید فایده و منفعت و عالیجاه ایشیا را به در جری
 خود کمال استادگی او را نمود از آنجا که قبول آن معارض ناموس
 عظمی و مناقض حقوق خاصه پادشاهی بود و عالیجاه ایشیا را به
 تقاضای آن حق برهن داشت لکن مقبول نگشته و عالیجاه ایشیا را
 بدین علت با نوسن بیعت نکرد او را کرده و بیرون دولت خود
 که وایم بدستی کشاده بود خوابانید و لکن اولیای دولت علیه و عموم
 ایران هیچ ملاحظه نداشتند از بدستی دولت بیعت کلیس صرف نظر نماند
 دولت ایشیا اول دولت است که از عهد جنبه سبقت و بیعت
 این دولت علیه کرده طرح الف نذاحه و معاهدات متعدد برای قوام
 و دوام موافقت و موافقت متعدد و لهای سال است که بیرون دولت
 ایشیا بخاندت تا این ایام در در انخلا و اباه و زمین داشته است
 بدین است که اینکه اظهار بودت ایشیا در دولت ایشیا در پیرین
 خبری و انگلی در پیرین قتی که چشم دورین دولت بطرف یکدیگر کشید
 و ناظر است اولیای دولت علیه ایران با عموم سکنه این مملکت برخورد
 او را نمی تواند نمایند نهایت و نحوری و نوسن ایشیا در ان عالیجاه
 مشارالیه در بین مقدم دارند و بلحاظ اینکه کار گذاران دولت ایشیا
 بر نوبت بیعت و انصاف راستگی و انصاف دارند و در پیرین مواد
 بدون تحقیق و دقیق و ملاحظه اطراف حکم نمیکنند امید دارند که در
 من الوجوه با یکان دوستی قدیم و مخالفت و سلامت تویم در بین
 تر نزل و خللی زیند و اس موافقت موافقت ماضی حال استقامت
 پدیدار بوده و خنجر آن راه بنام و مرآت جهان نای سلم و صورت
 اید اخبار نیرکی و که در بی کدر کرده و این حادثه نیز چون اندک
 سنجی و زودی برقع شود

۹۲۱

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم خمیسیت و دویم ماه صفر المظفر مطابق سال اوونیل ۱۲۷۰

مهره صد و چهارده هفت

قیمت روزنامه

یک نسخه ده شاهی یکبار

هفتاد و چهار هزار



منظومه و اخبار طهران

قیمت اعلانات

یک سطر اول چهار سطر یکبار

بسیار با هر سطر یکبار

اخبار و اخذ ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه هفت گذشته اعلیحضرت پادشاه

بعزم کشت و تفریح کوچه های نزدیک شاهزاده

عبدالعظیم که درین فصل شکار نبود در آنجا خوب و

فرادان پیاد سوار شدند اول میدان ارک

تشریف فرما گردیده اخراج بهادران و غیره که از

فارس حاضر رکاب حضرت شایب گردیده بود

در میدان ارک صف کشیده با کمال ارادت

و انتظام تمام بنظر اقدس عالیجناب رسیدند

صاحب مضامین و احادی و افراد آنها مورد احترام

و التفات ملوکانه گردیدند و بعد از ملاحظه آنها

موتب عالیجناب بیرون تفریح برده تا حوالی عصر

در آن اطراف کشت و تفریح مشغول بودند و نزدیک

بغروب آفتاب مبارک مبارک سلطانی و معر سلطنت

عظمی معاودت فرمودند

در روز شنبه هفدهم این ماه امیرالامراء اعظام

سردار کل چنانچه در روزنامه هفت گذشته

شده حسب الامر اقدس عالیجناب روانه آذربایجان

گردید که قبون نمر حدات آنجا را مهیا و تقسیم نمود

اماده محافظت سرحدت دولت علیه ایران باشد

چون عالیجاه میرزا زین العابدین میباشند و سرحدت

نزدکرها جو و سواره نظام سالهای سال است

بکمال صداقت و راستی خدمت کرده و در رنج و

و تفریق و تشخیص محاسبات و معاملات نگرانی

در راست قلبی موصوف و موسوم بوده است و خدمات

او در نظر ادبای بی نظیر و باهیه بطور مستحسن جلوه گرفته است

لینذا از قرار فرمان مسالین منصب لشکر نویسی

وین الامثل منتخبر گردید

چون مرحوم آقا لرخان کرجی از خدمتگذاران این دولت

قدیمی مکنند پدیدار بود لهذا نظر عالیجاه تربیت یافت

او عالیجاه جبرئیل خان پسر او را که جو نیست قابل

از قرار حکم نظامی منصب نیابت دویم اجودان باشکری

برقرار و مواجب و چهره در حق او رحمت فرمودند و یک